



اخلاق حرفه‌ای و روزنامه‌نگاران ایرانی

لیلا رستگار

امروزه، در همه جا سخن از انقلاب اطلاعات و انفجار اطلاعات است؛ مرحله‌ای اساساً متفاوت از مرحله‌های پیشین تاریخ بشر، مرحله‌ای که حتی با نام «ما بعد جامعه» خوانده می‌شود و تصویری اسطوره‌ای از خود ارائه می‌دهد. در اینجا است که نقش هریک از وسایل ارتباط جمعی حیاتی می‌شود و پرداختن به جزئیات و ظایف آنان، حیاتی‌تر. در این عصر، یعنی عصری که بزرگراه‌های اطلاعاتی بحث روز است و گفتن از «ایررسانه» وظیفه تلقی می‌شود، ما می‌خواهیم از اخلاق مطبوعاتی بگوییم.

شاید در شرایطی که ابزارهای جدید در پیرامون ما، تار می‌تند و وسیله‌های ارتباطی به دنبال خلق نوعی جامعه مجازی در فضاهای الکترونیک هستند، سخن گفتن از اخلاق - آن هم از نوع مطبوعاتی‌اش - دور از ذهن جلوه کند، اما به همان دلیل، پرداختن به اخلاق، بحث روز، لازم و پرداختنی است و شاید ضرورت طرح آن بیشتر شود، وقتی که به اطراف خود بنگریم و ببینیم که جهان چگونه در درون تارنکیوتی که ابزارهای پیشرفته اطلاعاتی می‌تند، دست و پا می‌زند.

سخن گفتن از اخلاق - آن هم اخلاق مطبوعاتی - در شرایطی که انسان کم‌کم در فضاهای الکترونیکی غرق می‌شود، نه تنها یک ضرورت حیاتی است که شاید خود «حیات» است...

اخلاق در مطبوعات حیطة بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد. اگر در جایی گرفتن یک هدیه کوچک در قبال کار مطبوعاتی، کاری ضد اخلاقی تلقی شود، در جای دیگر عدم تلاش برای رساندن اخبار درست به مردم و محروم کردن مخاطبان از کسب اطلاعات صحیح می‌تواند ضدمعیاریهای اخلاقی مطبوعاتی باشد. در جایی دیگر بزدلی و نداشتن شهامت لازم می‌تواند فاکتورهای اخلاقی مطبوعاتی را در هم بریزد، زمانی دیگر ملاحظه‌کاری و خودسانسوری چنین نقشی را بازی می‌کند. حتی همپای علوم روز حرکت نکردن، در جایی که حضور آگاهانه یک روزنامه‌نگار می‌تواند نقش اساسی بازی کند، معیارهای مطبوعاتی را خدشه‌دار می‌کند. در اینجا است که می‌بینیم اخلاق مطبوعاتی به مجموعه‌ای از عوامل زنجیره‌ای متصل می‌شود که هرز شدن هریک از این حلقه‌ها کل مجموعه را دچار مشکل می‌کند. در این سلسله، عواملی چون باورهای ذهنی روزنامه‌نگار تا قوانین اجرایی، نهادهای سیاسی، تشکلهای مطبوعاتی، استقلال حرفه‌ای، نگرش‌های غالب بر برنامه‌ریزان مطبوعاتی و مسؤولان سیاستگذاری، مدیریت‌های مطبوعاتی، نیروهای فشار داخلی و بیرونی و حتی چگونگی آموزش روزنامه‌نگاران می‌تواند مؤثر باشد. درباره این مورد آخر، بد نیست به بخشی از تحقیق دکتر محسنیان‌راد درباره روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری اشاره کنم:

«تحقیق حاضر نشان می‌دهد که چه اکثریت معتقد به آموزش روزنامه‌نگاری در کنار

روزنامه‌نگار ایرانی از پایگاه اجتماعی پائینی برخوردار است. پاسخ بعضی از روزنامه‌نگاران به سؤال مورد نظر چنین است:

«روزنامه‌نگار در ایران صاحب هیچ‌گونه پایگاه اجتماعی نیست. به حقوق خود هم آشنا نیست.»^۲

«در ایران روزنامه‌نگاران از جایگاهی برخوردار نیستند و حتی برای گرفتن یک خبر باید از مسؤولان خواهش و تمنا کنند و خود را کوچک و حقیر نمایند. مشکلات مالی نیز مزید بر علت است و حتی برخی از روزنامه‌نگاران در این رهگذر، رسالت خود را از دست می‌دهند. باید با آموزش‌های لازم و افزایش میزان معلومات و توجیه مسؤولان این کار را رونق بخشید.»^۲

«باید گفت که متأسفانه در مواردی مشاهده شده است که خبرنگاری به‌خاطر رفع مایحتاجش به راحتی قلمش را فروخته و حتی از مسؤولی که اشتباهات زیادی نیز دارد، تعریف و تمجید کرده است. مسلماً تا زمانی که عده‌ای از روزنامه‌نگاران (هر چند قلیل) خود را چنین بنمایانند، پایگاه اجتماعی برای این قشر باقی نمی‌ماند.»^۲

«این پایگاه منزلت مناسبی دارد و شرط ارتقای آن، کنترل ورود و خروج روزنامه‌نگاران با صلاحیت و بی‌صلاحیت از این جماعت است.»^۵

«پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران همان پایگاه اجتماعی کارمندان است. روزنامه‌نگار موظف به ثبت کارت ساعت ورود و خروج است. او نه یک روزنامه‌نگار، بلکه عنصری منکوب، مقهور و حقوق‌بگیر است و جز این نیست.»^۶

«تا زمانی که روزنامه‌نگاران دارای یک تشکل منسجم و پر قدرت نباشند، بحث پیرامون این‌گونه موارد عبث و بیهوده است.»^۷

«آنچه به روزنامه‌نگار اهمیت و ارزش

تجربه و استعداد و چه اقلیتی که نگاهی منفی به آموزش روزنامه‌نگاری دارند، هر دو در یک نکته با یکدیگر توافق دارند و آن داشتن نگرش منفی نسبت به حرفه و محیط حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در ایران است. صفاتی را که روزنامه‌نگاران به حرفه خود و به خود داده‌اند، حاکی از آن است که بسیاری از روزنامه‌نگاران از آنچه که هستند، به شدت ناراضی‌اند. در میان آنان، اتکا به خود در لایه‌های پایینی جای گرفته و در وادی جبر و اختیار، بسیاری از آنان خود را در عالمی می‌بینند که چندان اختیاری برای خروج از وضعیت حاکم ندارند، ضمن آنکه از حضور در آن وضعیت نیز بسیار ناراضی‌اند.»^۱

سؤال این است که چرا چنین است. آیا این پاسخ علی‌رغم اینکه در قبال سؤالی متفاوت با مسأله «اخلاق در مطبوعات» به دست آمده است، نشان از این ندارد که شرایط مطبوعات ما چنان است که خود روزنامه‌نگاران هم به آن معترفند و آیا اگر کنکاش کنیم به عوامل خدشه‌دارکننده اخلاق در مطبوعات - با همان گستردگی که گفتیم - بر نمی‌خوریم؟

یکی از سؤال‌های مطرح شده در تحقیق دکتر محسنیان‌راد، «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران» است. سؤال این است: «در برخی از کشورها، روزنامه‌نگار دارای منزلت اجتماعی بالایی، همسطح مشاغلی که نیاز به تخصص‌های بالایی دارند، مانند پزشکان، اساتید دانشگاه، قضات و از این قبیل است. به نظر شما پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران چیست؟ چگونه می‌توان آن را ارتقا داد؟»^{۹۴}

درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی به این سؤال پاسخ داده‌اند و اکثر آنان گفته‌اند که

می‌دهد، اعتماد متقابل مردم و روزنامه‌نگار است و اینکه مردم احساس کنند روزنامه‌نگار می‌تواند با فعالیت خود، دردی از دردهای اجتماع را درمان کند (نظیر پزشک که کارش درمان مردم است) و این میسر نیست مگر همکاری بیشتر مدیران نشریات با همکاران مطبوعاتی.»^۸

بعضی پیشنهاداتی که روزنامه‌نگاران مخاطب این تحقیق برای ارتقای منزلت روزنامه‌نگار ارائه کرده‌اند، به ترتیب فراوانی از این قرار است:

«ارزش واقعی روزنامه‌نگار برای مردم روشن شود»؛ «مسؤولان و مطبوعات برای روزنامه‌نگار ارزش قائل شوند»؛ «روزنامه‌نگاران باید تحصیلات دانشگاهی داشته باشند و سطح تخصص خود را بالا ببرند»؛ «عوامل اصلی تحول در خود روزنامه‌نگاران است که باید خود را متحول کنند»؛ «به وسیله تأمین مالی و امنیتی روزنامه‌نگاران»؛ «با تأسیس تشکلات روزنامه‌نگاری مانند سندیکا»؛ «به وسیله بازگو کردن حقایق برای مردم و انجام تعهدات حرفه‌ای»؛ «اصلاح رفتار دولتمردان و مسؤولان با روزنامه‌نگاران»؛ «رعایت قانون اساسی و قانون مطبوعات در زمینه حفظ حقوق روزنامه‌نگاران»؛ «با افزایش سطح فرهنگ جامعه»؛ «اجرای آزادی افکار و بیان»؛ «ایجاد فضای باز سیاسی در جامعه»؛ «به وسیله تبلیغات»؛ «با تفکیک روزنامه‌نگاران با صلاحیت از بی‌صلاحیت»؛ «ایجاد استقلال در مطبوعات»؛ «تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای روزنامه‌نگاران»؛ «جلوگیری از تجاری شدن مطبوعات با حمایت مالی دولت از آنان»؛ «تدوین قانون جامع برای مطبوعات»؛ «پیش‌بینی امتیازات ویژه‌ای برای روزنامه‌نگاران»؛ «طراحی برنامه‌ای جامع و مدون در این زمینه»؛ «دقت در گزینش مدیران و صاحبان مطبوعات» و...^۱

تصویری نه چندان زیبا

برای اینکه ارتباط بحث اخلاق با آنچه که گفتیم مشخص شود، به بخشی از جمع‌بندی این تحقیق اشاره می‌کنیم: تصویری که روزنامه‌نگاران از وضعیت مطبوعات ارائه داده‌اند، تصویری نازیباست. اگر چه نمی‌توان نظرات را با همان شدت و حدّتی که عنوان شده است، پذیرفت. اما می‌توان قبول کرد که

■ اسماعیل عباسی: برای

دستیابی به اخلاق

روزنامه‌نگاری، تنظیم یک

نظامنامه جامع مبتنی بر حفظ

آزادی‌های قانونی مطبوعات،

می‌تواند گام نخست باشد.

آنچه روزنامه‌نگاران مورد سؤال قرار گرفته، مطرح کرده‌اند، بخشی از واقعیت‌های مطبوعات امروز ما و بسیاری، نشان‌دهنده ناهنجاری‌های عموماً اخلاقی حاکم بر آنان است:

«در یک جمع‌بندی از آنچه روزنامه‌نگاران نوشته‌اند، می‌توان گفت که از نظر آنان کلیشه‌ای بودن محتوای مطبوعات و نبود خلاقیت در آنها، سایه افکنی خودسانسوری بر آنها، کمبود نیروی متخصص روزنامه‌نگاری و عدم استفاده از نیروهای موجود، تجاری و تبلیغی شدن مطبوعات، بی‌توجهی مطبوعات به مسائل واقعی جامعه، خطی و سیاسی شدن مطبوعات و عدم شناخت نیازهای خوانندگان،



مهمترین انتقاد بر مطبوعات ایران است که در مورد هر کدام، حداقل ده روزنامه‌نگار توافق داشته‌اند. ویژگی «ناهنجاری در حرفه» را می‌توان به خوبی از صفات به کار برده شده از سوی روزنامه‌نگاران دید. برای آنکه بتوان تصویری دقیق‌تر از این صفات ترسیم کرد، آنها را از لابلای بخشی از نوشته‌ها استخراج و به شرح زیر بازخوانی می‌کنیم:

برخی از پاسخ‌دهندگان، مطبوعات (یعنی سازمانی را که عضو آن هستند و در آن کار می‌کنند) را چنین توصیف کرده‌اند:

... نامشروع، تجارت‌خانه، مبتذل، تشریفاتی، بی‌تنوع، بی‌کیفیت، تلفنی، بی‌هویت، بی‌هدف، مادیگرا، کر، کور، لال، فلج، تنگ‌نظر، منفعت‌طلب، ... نان‌بیات، بی‌سروسامان، تک قطبی، غیرمستقل.

جایگاه اخبار غیرموتن، صحنه تسویه حساب‌های سیاسی، فضایی بسته و خفقان‌آور، ابزار حکومت‌ها، بولتن‌های غیررسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریات فاقد حرف تازه، درگیران رقابت‌های ناسالم، دارندگان جایگاه متزلزل، ناآگاه از نبض

جامعه، در جست‌وجوی آگهی تا دردهای مردم، بی‌توجه به مخاطبان، سخنگوی مسزولان، محل تیرهای دروغین و همراه‌کننده، جنجالی و پرهیاهو، ناآشنا با فرهنگ اسلام، فاقد فرهنگ صحیح انتقاد، دارای محتوای از هم گسیخته، کتمان‌کننده حقیقت، جایگاه بی‌تجربه‌ها، بولتن روابط عمومی‌ها، القاکننده جهت‌گیری غلط به مردم، خورندگان نان به نرخ روز، ناقلان خبرهای کهنه، محل انتقام‌گیری‌ها و غرض‌ورزی‌های شخصی، جایگاه تبلیغات مستقیم، خانه‌های از پای‌بست ویران و...»^{۱۰}

در بخش دیگری از این جمع‌بندی آمده است: «برخی از روزنامه‌نگاران، روزنامه‌نگار، یعنی به عبارتی «خود» را چنین توصیف کرده‌اند: بی‌هویت، بی‌قوت، بی‌دقت، سرگردان، بی‌متزلت، بی‌باور به خود، عنصری منکوب، آدمی مقهور، قلم به مزد، فضول، سخن‌چین، مغضوب مردم و مسزولان، ... مسفعل، مسزوی، مه‌ره، میرزا بنویس، آسیب‌پذیر، پسته‌آب‌ریز، بی‌صلاحیت، بی‌مسزولیت، ناصادق، خودسانسور، کاتب، املا نویس، خسته، بی‌جرات، بی‌شهامت، سست، چندشغله، سودجو، عافیت‌طلب، کم‌سواد، بی‌ایمان، بی‌جوهر، شتابزده، بی‌فهم، بی‌سی‌علم، غرض‌ورز، بندنواز، بی‌حوصله، بی‌انگیزه، کم‌کار، مسزولیت‌نپذیر، سطحی‌نگر، پنهان‌کننده حرف، کلی‌گو، مصلحت‌اندیش، معتقد به باری به هرجهت بودن، سرسپرده رژیم‌های خودکامه، بی‌ابتکار و فاقد صلاحیت، ناآشنا به فرهنگ ایران، فاقد جهان‌بینی، دغدغه‌دار نان‌وآب، لگدمال‌کننده همکار، دارنده هواهای نفسانی، زندانی فکر گروه‌های فشار، بی‌اعتقاد به مردم، ممتلق دستگاه، پنهان‌کننده حرف دل، ملعبه دست دیگران، نگران آینده، مقلد طوطی‌وار و...»^{۱۱}

اصلاً لازم نیست فکر کنیم که جو غالب بر مطبوعات ما چنین جوی است و یا عده زیادی از روزنامه‌نگاران ما واقعاً چنین هستند که گفته شده است، ولی حتی اگر در هر نشریه‌ای یک نفر با خصوصیات ذکر شده وجود داشته باشد، جای آن دارد که ما جست‌وجوگر علت‌ها باشیم و به دنبال پاسخ‌هایی برای از بین بردن عوامل این ناهنجاری‌ها. وگرنه ما هم معتقدیم که هنوز روزنامه‌نگاران بسیاری هستند که در این گوشه و آن گوشه مطبوعات متعدد کشورمان عاشقانه قلم می‌زنند و بر اصول حرفه‌ای و باورهای

اعتقادی خویش پای می‌فشارند، برای حرفه خود تقدس قائلند و حتی برای انتخاب واژه و ازه‌ای که به کار می‌برند، احساس مسزولیت می‌کنند، قدمی بر نمی‌دارند جز در جهت اصول مقدسی که به آن باور دارند، مخاطبان خود را غریبه‌های آشنا قلمداد می‌کنند و در جهت رفع نیازهای آنان قلم می‌زنند؛ روزنامه‌نگارانی پاک، جسور، آگاه، دانا و متعهد و به خاطر حفظ چنین آدم‌هایی است که کژی‌های مطبوعات ما باید سریع‌تر اصلاح شود؛ برای روزنامه‌نگارانی که در بدترین و بهترین شرایط در کنار مردمند و تا پای جان بر آرمان‌ها، باورها و اعتقادات خویش ایستادگی می‌کنند.

نگاهی به اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری^{۱۲}

ده اصل به عنوان اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به وسیله سازمان‌های بین‌المللی تدوین شده است. چند سازمان روزنامه‌نگاری منطقه‌ای و بین‌المللی این اصول را طی نشست‌هایی از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ تهیه و تصویب کرده‌اند. سازمان‌هایی چون: سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران، فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، اتحادیه کاتولیک بین‌المللی مطبوعات، فدراسیون روزنامه‌نگاران عرب، اتحادیه روزنامه‌نگاران افریقا، فدراسیون روزنامه‌نگاران امریکای لاتین، فدراسیون کارگران مطبوعات امریکای لاتین و کنفدراسیون روزنامه‌نگاران آسیا، در تهیه و تدوین این اصول که می‌تواند اصولی پایه‌ای در این زمینه باشد، نقش داشته‌اند و تنها «فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران» در نشست‌هایی سازمان‌های مذکور که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۳ (۲۹ آبان ۱۳۶۲) در پاریس تشکیل شد، شرکت نکرد.

یونس شکرخواه در کتاب «خبر» این ده اصل را به این ترتیب توضیح می‌دهد:

اصل اول: حق مردم در دستیابی به اطلاعات حقیقی

مردم و افراد حق دارند از طریق اطلاعات دقیق و جامع به تصویری عینی از واقعیت دست یابند و آرای خود را آزادانه از طریق رسانه‌های گوناگون فرهنگ و ارتباطات بیان کنند.

اصل دوم: روزنامه‌نگار، وقف واقعیت عینی است

بارزترین وظیفه روزنامه‌نگار این است که با

وقف صادقانه خویش نسبت به واقعیت عینی، خود را در خدمت حق مردم در راه دستیابی به اطلاعات حقیقی و موثق قرار دهد و به نحوی رویدادها را وجدانا در گستره صحیح خود با ترسیم مناسبات اصلی و بدون تحریف و با کاربرد ظرفیت خلاقانه خود انعکاس دهد تا مطالب کافی در اختیار مردم قرار گیرد و بتوانند با استفاده از این مطالب به تصویری جامع و صحیح از جهان دست یابند؛ جهانی که در آن منشأ، ماهیت و جوهره رویدادها، و نیز فرایند وضعیت امور به عینی ترین شکل ممکن قابل درک باشد.

اصل سوم: مسؤولیت اجتماعی روزنامه نگار
اطلاعات در روزنامه نگاری نه یک کالا که یک «خیراجتماعی» است، و این امر به این معناست که روزنامه نگار در مسؤولیت انتقال اطلاعات سهیم است و لذا نه تنها در برابر کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند، بلکه نهایتاً در برابر مردم به‌طور کل و مشتعل بر انواع منافع اجتماعی، باید پاسخگو باشد. مسؤولیت اجتماعی روزنامه نگار وی را ملزم می‌سازد که تحت هر شرایطی همسو با وجدان اخلاقی خود عمل کند.

اصل چهارم: شرافت حرفه‌ای روزنامه نگار
نقش اجتماعی روزنامه نگار اقتضا می‌کند که معیارهای عالی شرافت در این حرفه، مشتمل بر حق روزنامه نگار برای خودداری از کار برخلاف اعتقاد شخصی، حق عدم افشای منبع اطلاعات و همچنین حق شرکت در روند تصمیم‌گیری در رسانه‌ای که برای آن کار می‌کند، محفوظ بماند. شرافت حرفه‌ای به روزنامه نگار اجازه نمی‌دهد که به هیچ نحوی از انحاء رشوه بپذیرد و یا برخلاف رفاه عمومی به ارتقای منافع خصوصی بپردازد. همچنین، احترام گذاشتن به دارایی‌های معنوی، و به‌طور اخص پرهیز از سرقت ادبی، جزو اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود.

اصل پنجم: دسترسی همگانی و مشارکت
ماهیت این حرفه اقتضا می‌کند که روزنامه نگار دسترسی همگان را به اطلاعات و مشارکت مردم را در رسانه‌ها، مشتمل بر حق تصحیح یا اصلاح و حق پاسخگویی ارتقا دهد.

اصل ششم: احترام به حریم خصوصی و شؤون انسانی
احترام به حق فردی، حفظ حریم و اسرار

خصوصی و شؤون انسانی که با قوانین ملی و بین‌المللی مربوط به حفظ حقوق و شهرت افراد، منع افتراء، تهمت، توهین و مخدوش کردن شهرت افراد، هماهنگ است، بخشی لاینفک از معیارهای حرفه‌ای روزنامه نگار محسوب می‌شود.

اصل هفتم: احترام به منافع عمومی
معیارهای حرفه‌ای روزنامه نگار، احترام بایسته را برای جامعه ملی، نهادهای دموکراتیک و عفت عمومی تجویز می‌کنند.

اصل هشتم: احترام به ارزش‌های جهانی و تنوع فرهنگ‌ها

■ یونس شکرخواه: اخلاق

مطبوعاتی پیش از آنکه

بحث روزنامه نگاران باشد.

مقوله‌ای مربوط به مخاطب

است؛ زیرا به «اعتبار منبع»

مربوط می‌شود.

یک روزنامه نگار واقعی در حالی که به شخصیت ویژه، ارزش و شأن هر فرهنگ و همچنین به حق انتخاب و توسعه آزادانه نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی به وسیله مردم، احترام می‌گذارد، مدافع ارزش‌های عام انسانی و بالاتر از همه، مدافع صلح، دموکراسی، حقوق بشر، پیشرفت اجتماعی و رهایی ملی است. به این ترتیب، روزنامه نگار به طوری فعال در تبدیل جامعه به جامعه‌ای دموکراتیک‌تر مشارکت می‌جوید و از طریق گفت‌وگو و شنود به ایجاد فضایی آکنده از اعتماد در مناسبات بین‌المللی مساعدت کند تا صلح و عدالت، تشنج‌زدایی، خلع سلاح و توسعه ملی در سراسر جهان تحقق یابد.

آگاهی روزنامه نگار از مقررات مندرج در کنوانسیون‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی جزو اخلاق حرفه‌ای به‌شمار می‌آید.

اصل نهم: امحای جنگ و سایر مصایب

فراروی بشر

تعهد اخلاقی نسبت به ارزش‌های عام انسانی، روزنامه نگار را به پرهیز از هرنوع

توجه و یا تحریک به جنگ‌های متجاوزکارانه و مسابقه تسلیحاتی، به‌ویژه در مورد تسلیحات هسته‌ای، و به پرهیز از همه شکل‌های خشونت، نفرت یا تبعیض، بخصوص نژادپرستی و آپارتاید، سرکوبگری رژیم‌های استبدادی، استعمار و استعمارنویین و همچنین به پرهیز از سایر مصایب بزرگ مضر به حال بشریت نظیر فقر، سوء تغذیه و بیماری‌ها ملزم می‌کند. و با تعقیب چنین رویه‌ای است که روزنامه نگار می‌تواند به امحای جهل و سوء تفاهم میان مردم کمک کند و اتباع یک کشور را در مورد نیازها و آمال دیگران حساس سازد، و احترام به حقوق و شؤون همه ملل، مردم و افراد را بدون لحاظ نژاد، زبان، ملیت، مذهب و باورهای فلسفی تضمین کند.

اصل دهم: ارتقای نظم نوین اطلاعاتی و

ارتباطی جهانی

روزنامه نگار در جهان معاصر در چارچوبی از حرکت به سوی مناسبات نوین بین‌المللی به‌طور عام و در چارچوبی از نظم نوین اطلاعاتی به‌طور خاص، عمل می‌کند. هدف این نظم نوین، که بخشی لاینفک از نظم نوین اقتصادی بین‌المللی به حساب می‌آید، استعمارزدایی و دموکراتیک کردن اطلاعات و ارتباطات در سطوح ملی و بین‌المللی است که برپایه همزیستی مسالمت‌آمیز مردم و با احترام کامل به هویت فرهنگی آنان صورت می‌گیرد. تعهد ویژه روزنامه نگار در این زمینه، ارتقای روند دموکراتیک کردن مناسبات بین‌المللی در عرصه اطلاعات است که با عنایت به حفاظت و تقویت مناسبات دوستانه و مسالمت‌آمیز مردم و دولت‌ها صورت می‌پذیرد.

اخلاق حرفه‌ای در این گوشه و آن گوشه

جهان

تنها در کشور ما نیست که روزنامه نگاران با ناهنجاری‌های اخلاقی مواجه هستند، همه کشورهای به اشکال مختلف و متناسب با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش با این مشکلات روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد که کشوری چون کشور ما با توجه به ساختار عقیدتی، باورهای دینی و فرهنگ غنی خود باید مسائل کمتری در این زمینه داشته باشد. یکی از دانشجویان ایرانی رشته روزنامه نگاری و ادبیات آلمانی درباره مشکلات روزنامه نگاری در آلمان چند نکته مهم را مطرح



می‌کند. او مشکلات بیرونی روزنامه‌نگاری در آلمان را متأثر از تمرکز رسانه‌های عمومی و تجاری شدن مطبوعات این کشور می‌داند و معتقد است که این دو مسأله عمده‌ترین ناهنجاری‌های اخلاقی مطبوعاتی را ایجاد می‌کند.

او دربارهٔ تمرکز رسانه‌های عمومی و پشیامدهای آن از قول «مولر مایننگن»^{۱۳} می‌نویسد: «روزنامه‌ها و مجلاتی که به صورت مراکز انتشاراتی پرنفوذ اداره می‌شوند و تحت ارادهٔ واحد یا ارادهٔ اقلیت ویژه‌ای قرار دارند، در واقع حاملان سلطه و قدرتمند سلطه بر خوانندگانی که در ضمن، انتخاب کنندگان احزاب و پارلمان هم هستند، سلطه بر احزابی که باید سکوت کنند و گرنه پس‌گردنی می‌خورند، سلطه بر سایر انتشاراتی‌های کوچک که کنار زده شده‌اند، سلطه بر روزنامه‌نگارانی که در صورت آزادی عمل می‌توانند مضر و خطرناک باشند. در کل در چنین شرایطی، افکار عمومی کمتر می‌تواند آزادانه و همه‌جانبه رشد کند.»^{۱۴}

او نتایج تجاری شدن مطبوعات را چنین جمع‌بندی می‌کند: «این مطبوعات نمی‌توانند مصرف‌کننده را در جهت نیازهای حقیقی و واقعی روشن‌گری کنند، زیرا به خاطر آگهیهای تبلیغاتی مجبورند منافع تولیدکنندگان را در نظر بگیرند. در چنین شرایطی، مطبوعات نمی‌توانند سؤال‌هایی را طرح کنند که خطری برای نظم موجود دارند، زیرا این کار، تیشه به ریشهٔ خود زدن است. در فرآیند بازاری شدن، بخش بزرگی از مطبوعات به مطبوعات سرگرم‌کننده تبدیل شده‌اند، مطبوعاتی که دیگر واقعیت را بی‌نقاب نمی‌کنند، بلکه آن را بیشتر

می‌پوشانند. از این لحاظ، پاول ذت^{۱۵} حق داشت زمانی که گفت: «آزادی مطبوعات در آلمان آزادی ۲۰۰ نفر آدم پولدار است تا نظراتشان را بسط و ارائه دهند.»^{۱۶}

در این مقاله، در بخش مشکلات درونی روزنامه‌نگاری در آلمان مسأله سانسور و خودسانسوری مطرح شده است. در این بخش تصویری از روزنامه‌نگاران آلمانی که غم‌انگیز، آزاردهنده و نیز هشداردهنده است، به دست داده شده است:

«اکنون بسیاری از روزنامه‌نگاران، ماشینی شده‌اند. با کله مصنوعی می‌نویسند و با کله مصنوعی فکر می‌کنند. آنها برای بیشتر سؤالات پاسخ‌هایی آماده دارند، پاسخ‌هایی که از آن خود آنها نیست، زبان نوشتاری آنها بیشتر به فرمول‌های قراردادی و دیکنه شده شباهت دارد. پس از مدتی کافی است که بر دکمه فشار دهند تا نوشتهٔ باب میل سردبیر بیرون آید. این نوع خودسانسوری یک فرآیند ناآگاهانه است. روزنامه‌نگار وقتی از آن خبردار می‌شود که نوشته‌اش منتشر شده است. احساسی او را آزار می‌دهد: طوری دیگر سی‌خواستم بنویسم. هیچ‌گونه «این همانی»^{۱۷} بین او و نوشته‌اش وجود ندارد. نیروهای نامرئی گوناگونی سبب شده‌اند که نوشته او چنین از آب در آید، بی‌آنکه خودش متوجه شود.»^{۱۸}

او دربارهٔ نیروهای نامرئی و روزنامه‌نگاران از خودبیگانه می‌نویسد:

«... این نیروهای نامرئی هرروزه مانند سیل به درون روزنامه‌نگار رخنه می‌کنند، و به تدریج بخشی از وجود او می‌شوند. علنی نشدن و پنهان‌کاری بسیاری از روزنامه‌نگاران هم به این موضوع کمک می‌کند. بسیاری از روزنامه‌نگاران بدون اسم یا با اسم مستعار مطلب می‌نویسند و بدین طریق می‌توانند مسئولیت را به گردن روزنامهٔ مربوطه بیندازند. هستند روزنامه‌نگارانی که براساس سفارش می‌نویسند، آنها نه موضوع را انتخاب می‌کنند و نه محتوا را؛ به عنوان یک «کارفرد» [؟] کارشان را انجام می‌دهند و از این طریق، کم‌کم با کارشان، با زیان‌شان و با خودشان بیگانه می‌شوند. این از خودبیگانگی و بیگانگی از کار، روزنامه‌نگار را به یک رفتار سه‌وجهی سوق می‌دهد: صرف‌نظر کردن، تبعید درونی و بی‌تفاوتی. در روند کار کم‌کم روزنامه‌نگار از زبان شخصی‌اش و از حق خود برای انتقاد صرف‌نظر می‌کند. خود را با جریان امور وفق

می‌دهد، یا عقب‌نشینی می‌کند. او خود را درگیر کار و محتوای کارش نمی‌کند: برای او کار خودش و کار همکاران برابر است. هورست ریشر^{۱۹} این وضعیت را با اصطلاح فرار یا میانجیگری مشخص کرده است. روزنامه‌نگار از انتقاد به خود و انتقاد به دیگران می‌گریزد. او از یک مجادلهٔ جدی با همکاران خود و سردبیر چشم می‌پوشد و تنها فراغت حقیقانهٔ شخصی را پاس می‌دارد.»^{۲۰}

اگر روزنامه‌نگار بزدل و فرصت‌طلب نباشد...

این نوشته با گفتاری از «اوستیسی»^{۲۱} پایان یافته است:

«روزنامه‌نگاری بود که به دست‌نازی‌ها در اردوگاه‌های کار اجباری کشته شد. از نظر او تنها راه مقابله با خودسانسوری، این است که روزنامه‌نگار، بزدل و فرصت‌طلب نباشد.»^{۲۲}

نویسنده معتقد است: «بعضی از روزنامه‌نگاران خودسانسوری را نوعی زرنگی و نیرنگ و تاکتیک می‌دانند. در اینکه آدم باید واقعیت را بشناسد و خودش را با آن وفق دهد و در چارچوب واقعیت موجود و شرایط اجتماعی به‌طور تاکتیکی رفتار کند، حرفی نیست. گاه این‌گونه تاکتیکی رفتار کردن نوعی هنر است، ولی باید مواظب بود که این تاکتیک کم‌کم به استراتژی تبدیل نشود. این نوع منش خیلی راحت به فرصت‌طلبی می‌انجامد و به خودسانسوری منتهی می‌شود. این امر خیلی آهسته آهسته شکل می‌گیرد. ابتدا روزنامه‌نگار از جمله‌های فرعی چشم‌پوشی می‌کند و بعد از جمله‌های اصلی و کم‌کم آن‌طور می‌نویسد که بالایی‌ها می‌خواهند.»^{۲۳}

یک روزنامه‌نگار شایسته این نام

«در فرانسه هیچ متن قانونی یا قراردادی مشخص‌کنندهٔ وظایف و روش‌های کاربردی برای روزنامه‌نگاران وجود ندارد. تنها قانون موجود، که به‌وسیلهٔ مجموعهٔ سازمان‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تصویب شده است، فقط خود این سازمان‌ها را مجبور به اجرای آن می‌کند. این قانون به‌وسیلهٔ سندیکای ملی روزنامه‌نگاران در سال ۱۹۱۹ - یعنی اندک زمانی پس از تأسیس آن - تصویب شد.»^{۲۴}

مجله Lable France ضمن نقل مطلب فوق دربارهٔ روزنامه‌نگاری فرانسوی و در باب شرح وظایف حرفه‌ای روزنامه‌نگاران فرانسه

■ مقدمه «مقررات اخلاقی بین‌المللی سازمان ملل» می‌گوید: آزادی اطلاعات و مطبوعات از حقوق اساسی بشری است و سنگ محک همه آزادی‌هایی است که در منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است.

می‌نویسد:

یک روزنامه‌نگار شایسته این نام در فرانسه بر اساس قانون سندیکای ملی روزنامه‌نگاران، چنین توصیف می‌شود:

یک روزنامه‌نگار شایسته این نام:

– مسؤلیت همه نوشته‌های خود را به گردن می‌گیرد؛

– تهمت، افتراء، دست‌بردن در مدارک و اسناد، تحریف رویدادها و دروغ را از بزرگترین خطاهای حرفه‌ای می‌داند؛

– تنها قضاوت همکاران خود را در زمینه شناخت حرفه‌ای به رسمیت می‌شناسد؛

– مأموریتی را که به شرافت شغلی او لطمه می‌زند، قبول نمی‌کند؛

– خود را از توسل جستن به عنوان و صفات کاذب و خیالی، باز می‌دارد و از راه‌های نامشروع برای به دست آوردن خبر یا سوءاستفاده از حسن نیت افراد، اجتناب می‌ورزد؛

– از ادارات دولتی یا شرکت‌های خصوصی که در آنها وجهه روزنامه‌نگاری او، نفوذکاری و روابطش احتمالاً در معرض استفاده نامشروع قرار خواهد گرفت، پول دریافت نمی‌کند؛

– مقالاتی را که سبب تحقیر در معاملات اقتصادی و مالی می‌شود به نام خود امضا نمی‌کند؛

– هیچ‌گونه سرقت ادبی مرتکب نمی‌شود؛

– نام همکارانی را که در نوشتن و تهیه یک مطلب به او یاری رسانده‌اند، ذکر می‌کند؛

– خواستار جا و مقام همکار خود نمی‌شود و با پیشنهاد کار در شرایط پایین‌تر، موجبات برکناری او را فراهم نمی‌کند؛

– رازهای حرفه‌اش را فاش نمی‌سازد؛
– از آزادی مطبوعات در جهت نیل به اهداف مورد علاقه خود استفاده نمی‌کند؛
– آزادی چاپ صادقانه اطلاعاتش را طلب می‌کند؛
– عدالت وجدان خود را برای قوانین اولیه به اجرا در می‌آورد؛
– نقش خود را با یک پلیس اشتباه نمی‌گیرد.^{۲۵}

توجه و ویژگی‌های بومی و فرهنگی

طبیعی است که هر کشوری متناسب با شرایط خاص خود علاوه بر رعایت اصول بین‌المللی اخلاق مطبوعاتی، متناسب با ساختار داخلی و هماهنگ با باورهای اعتقادی، ارزشی خود، اصول دیگری را تدوین می‌کند تا به نیازهای خاص نیز پاسخ دهد و روزنامه‌نگاران خود را علاوه بر رعایت آن اصول بین‌المللی به پشتیبانی از این اصول داخلی فرا می‌خواند. این کار در کشورهای مختلف معمولاً به عهده تشکلهای خاص روزنامه‌نگاران است. این اصول که روزنامه‌نگاران ملزم به رعایت آن هستند، حیطة وسیع و متنوعی را در برمی‌گیرد. «جان مریل» در تشریح قوانین و مقررات حرفه روزنامه‌نگاری در انگلستان، هند، نیجریه و پاکستان می‌نویسد:^{۲۶}

اتحادیه ملی روزنامه‌نگاری در انگلستان یک روزنامه‌نگار را موظف به رعایت «برترین» معیارهای حرفه‌ای و اخلاقی می‌داند و او را ملزم می‌کند تا تحریف، سانسور و موانع پخش اخبار را از بین ببرد.

برهمن اساس یک روزنامه‌نگار، اطلاعات، عکس‌ها و طرح‌هایش را فقط به شیوه مشروع به دست می‌آورد. انتخاب راه‌های دیگر فقط هنگامی موجه است که ملاحظات و منافع عمومی مدنظر باشد.

یک روزنامه‌نگار نباید رشوه بگیرد و نباید اجازه دهد تا انگیزه‌های دیگر برانجام وظایف حرفه‌ایش تأثیر بگذارد.

– یک روزنامه‌نگار مجاز به کتمان و تحریف حقایق نیست؛

– روزنامه‌نگار منشأ و محرک تبعیض بین گروه‌ها، نژادها، نسل‌ها، جنسیت‌ها و آیین‌ها نمی‌شود؛

– روزنامه‌نگار از اطلاعاتی که در حین انجام وظیفه به دست می‌آورد، استفاده

شخصی نمی‌کند؛
– «یک روزنامه‌نگار نباید از طریق اعلام یا اظهارنظر یا انتشار مطلبی موجب تبلیغ و تأیید محصول یا خدمتی تجاری شود تا بدان وسیله امکان مطرح شدن شخص خود یا مؤسسه‌ای را که برای آن کار می‌کند، فراهم آورد.»^{۲۷}
فرقه‌گرایی، تهدیدی بر بافت جامعه آزاد

اولین ماده‌ای که کنفرانس عمومی سردبیران مطبوعات هند به عنوان مقررات اخلاقی برای مطبوعات، در سال ۱۹۶۸ تصویب کرده، به این شرح است:

«مطبوعات آزاد تنها در یک جامعه آزاد پیشرفت می‌کنند. فرقه‌گرایی تهدیدی است بر بافت جامعه آزاد، و همبستگی ملی ما.»^{۲۸}

با نگاهی به مواد و تبصره‌های مقررات اخلاقی سردبیران مطبوعات هند، جابه‌جا به مواردی برمی‌خوریم که بر وحدت اقوام، همبستگی ملی، احترام به عرف و اتحاد ملی، تأکید شده است و مطبوعات موظف شده‌اند که به این همبستگی و وحدت کمک کنند و از انتشار مطالبی که خشم فرقه‌ها را برانگیزد یا نفرت آنان را شعله‌ور کند، بپرهیزند. ماده ۳ این مقررات ۱۰ بند دارد که مطبوعات را موظف می‌کند در گزارش‌هایی که از درگیری‌های فرقه‌ای تهیه می‌شود، به این ده بند توجه کنند.

خلاصه‌ای از این ۱۰ بند به این شرح است:
– اظهارنظرها باید خویشتندارانه و عاری از فحاشی علیه رهبران یا اقلیت‌ها باشد و تحریک به خشونت را دربر نگیرد؛

– از وارد کردن اتهاماتی که موجب شک در وفاداری یک اقلیت بشود، اجتناب شود؛

– از اتهامات رایج و ادعاهای غیرمنصفانه نسبت به گروه‌ها و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به اقلیت‌ها پرهیز شود؛

– اخبار مربوط به درگیری‌های فرقه‌ای تحریف نشود؛

– اخبار حوادثی چون مرگ، قانون‌شکنی، ایجاد حریق عمدی و... باید با رعایت همه جوانب و با کلمات کاملاً دقیق و روشن توضیح داده شده، تیترو زده و گزارش شود و از نمایش غم‌انگیز آنها خودداری شود.»^{۲۹}

– اخبار صلح بر سایر اخبار برتری داشته باشد؛

– از اصطلاحاتی چون «اقلیت» و «اکثریت» استفاده نشود؛

– اگر اطلاعات یا رقمی احساسات گروهی یا قومی را برانگیزد، از انتشار آن

صرف نظر شود.

اطلاعات صحیح، بنیاد روزنامه‌نگاری سالم
نخستین نکته‌ای که از سوی انجمن سردبیران مطبوعات تجربه به عنوان مقررات انجمن بر آن تأکید شده، این است که مردم حق دارند از حقیقت باخبر شوند و فقط اطلاعات صحیح می‌تواند بنیاد روزنامه‌نگاری سالم را شکل دهد و اعتماد مردم را برانگیزد.

در این مقررات احترام به حقیقت به عنوان وظیفه اخلاقی هر روزنامه‌نگار تلقی شده است و پنهان نکردن واقعیت‌ها و عدم تحریف آنها، به کار گرفتن روش‌های قانونی در گردآوری خبرها، دفاع از حق دسترسی آزاد به اخبار با رعایت احترام به امور شخصی مردم، رعایت اصول رازداری حرفه‌ای، غیراخلاقی شمردن سرقت ادبی و تصحیح اطلاعاتی که به شکل اشتباه منتشر شده، از دیگر وظایف روزنامه‌نگاران قلمداد شده است. در این مقررات همچنین تصریح شده که «وظیفه هر روزنامه‌نگار است که هر پاداشی را برای انتشار یا عدم انتشار اخبار و تفاسیر رد کند، مگر حقوق و پاداش مشروعی را که در قبال انجام وظایف حرفه‌ایش دریافت می‌کند.»

آزادی مطبوعات، محک آزادی‌های دیگر
در مقدمه «مقررات اخلاقی بین‌المللی سازمان ملل» آمده است: آزادی اطلاعات و مطبوعات از حقوق اساسی بشری است و سنگ محک همه آزادی‌هایی است که در منشور ملل متحد، مورد تأکید قرار گرفته است. مجمع عمومی کمیته مشورتی مطبوعات پاکستان که در سال ۱۹۷۲ در کراچی تشکیل شده با اعتقاد به ضرورت رعایت مقررات اخلاقی داوطلبانه و با اطمینان از نقش آن در آزادی، به بهترین صورت ممکن، اصول برگزیده خود را اعلام کرد. بعضی از این اصول به این شرح است:

– از حرفه روزنامه‌نگاری که نهادی مردمی است، نباید به مثابه ابزاری برای یاری رساندن به اهداف ضداجتماعی یا مصالحی که با حرفه روزنامه‌نگاری سازگار نیستند و نیز در خدشه‌دار کردن مصالح ملی و عمومی به کار می‌روند، استفاده شود.

– به حقوق افراد در حفظ آبرو و شخصیتشان باید احترام گذاشت و از افشاکاری و نظردادن درباره زندگی خصوصی افراد باید



■ مینو بدیعی: اگر مفاهیم عمیق اخلاق در قلمرو مطبوعات شناخته شده و قانونمند شود و تحت ضوابط مشخص در بیاید دیگر هیچکس از عدم رعایت اخلاق در مطبوعات کشور سخن نخواهد گفت.

اجتناب کرد. مگر آنکه این موضوع برای مصالح عمومی ضرورت داشته باشد.
– مطبوعات باید از چاپ اخبار یا تفاسیر، عکس‌ها و یا آگهی‌هایی که ممکن است امنیت و اتحاد ملی را تضعیف کند، خودداری کنند.
– هیچ روزنامه‌ای، در هیچ صورتی، نباید پاداش‌های مالی و نقدی یا تعهداتی به نفع کشور یا شرکتی خارجی را بپذیرد.
– کارکنان مطبوعات هرگز نباید رشوه بپذیرند یا اجازه بدهند مشکلات کارمندی تأثیری در قضاوت و بی‌طرفی ایشان داشته باشد.^{۳۰}

آنها که داخل گودند، چه می‌گویند؟

همیشه در بیرون گود ایستادن و قضاوت کردن درباره همه آنچه که در داخل گود اتفاق می‌افتد، بسیار آسان است، همیشه تئوری یافتن درباره ساده‌ترین و پیچیده‌ترین پدیده‌ها راحت‌تر از عمل کردن به اصول همان تئوری‌هاست. همیشه می‌توان خارج از میدان عمل بسیار حرف‌ها زد، اما به راستی چه می‌شود که تئوری‌ها در عمل به شکل دیگری

مطرح می‌شوند؟

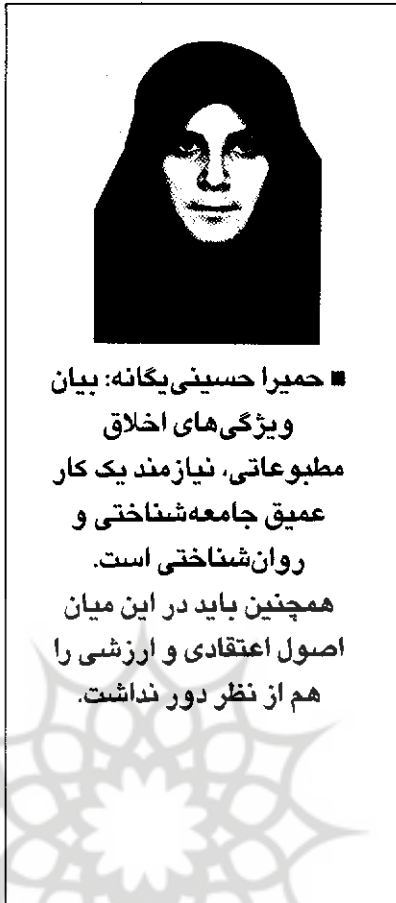
انها که خود در داخل گود روزنامه‌نگاری ایستاده‌اند، آسین‌ها بالازده، استوار، نگران و پرجنب‌وجوش در حرکتند تا پیام‌ها را منتقل کنند، زیباترین ارتباطات انسانی را ایجاد کنند؛ بگریانند یا بخندانند، بیاموزند یا تهییج کنند؛ آنها حرف‌های بسیاری دارند که از سرسوز است و دلسوخنگی. آنها شدیدترین و غلیظترین انتقادات را از خودی‌ها می‌کنند تا حرفی برای دیگران نماند. آنها گاهی فریادند، زمانی سکوت، روزی رگبارند، لحظه‌ای آفتاب تا روزنامه‌نگاری همچنان مقدس بماند و با بری شود از همه گناهان خواسته و ناخواسته. آنها نمی‌توانند شاهد باشند که کسی از راه برسد، بی‌دغدغه قلم و حرمت آن؛ غیرمسئولانه گام بردارد، پل‌های به زحمت ساخته شده را یکی پس از دیگری خراب کند، حرمت‌ها را خدشه‌دار سازد، کاغذهای سفید را به سیاهی بیالاید و توبره‌اش را پر کند و برود. آنچه می‌خوانید، از کسانی است که غم قلم و حرمت آن را دارند. لازم نیست حرف‌ها مثل هم باشد؛ بعضی تند حرف می‌زنند، بعضی آرام. قرار نیست همه مثل هم بگویند، با یک تن صدا، با یک سرعت و با یک شدت، اما لازم است که همه دلسوخته این وادی باشند. با ما به داخل گود بیایید و بخوانید که میدان‌داران چه می‌گویند. تعدادشان زیاد نیست، حرف‌هایشان هم یکی نیست، اما می‌شود گفت که همگی دستی - نه از دور - که دستی مماس بر آتش دارند. همه دل‌نگران حرمت‌های روزنامه‌نگاری‌اند و بالاتر، دغدغه انسانیت و باورهای استوار را دارند. بعضی سابقه طولانی کار حرفه‌ای دارند و بعضی عنوان مدرس دانشگاه را نیز یدک می‌کشند. اما بگذارید این‌بار و در این گزارش، تنها روزنامه‌نگار باشند و بس، آن‌هم به ترتیب حروف الفبا:

مینو بدیعی، فریبرز بیات، حمیرا حسینی‌یگانه، یونس شکرخواه، مسعود شهابی‌پور، اسماعیل عباسی و عباس عبیدی.

اول اجرای قانون، بعد بحث اخلاق

عباس عبیدی معتقد است که اول باید قانون در جامعه اجرا شود و بعد بحث اخلاق مطرح شود. وقتی از او درباره مفهوم کلی اخلاق در قلمرو مطبوعات می‌پرسیم، می‌گوید: «هنجارهای قانون، اخلاق، عرف و رسوم ... از مهمترین هنجارهای اجتماعی

هستند. آنچه ضمانت اجرا دارد و جدی تر است، هنجار قانون است که تعیین می‌کند افراد در چه حیطه‌ای باید رفتار کنند و نباید‌ها کدامند. بعد، بحث اخلاق پیش می‌آید. این دو با هم تعارضی ندارند؛ بخشی از اخلاق، قانون شده است. بخش دیگر آن را نمی‌شود به قانون تبدیل کرد. به عنوان مثال با احترام به پدر و مادر نمی‌شود قانونی برخورد کرد. اما اینکه کسی نباید به دیگران تهمت بزند، به قانون تبدیل شده و برایش مجازات تعیین می‌شود. در کل، بخش‌های خیلی حساس و خیلی عینی تبدیل به قانون شده است. جامعه هم حساسیت بیشتری دارد که آن بخش را رعایت کند. در مجموع در جامعه‌ای می‌توان از اخلاق سخن گفت که قانون در آن اجرا شود. اگر چنین نباشد، بحث از اخلاق بی‌فایده است. اگر به مرحله‌ای برسیم که قانون را اجرا کنیم، شایستگی آن را پیدا می‌کنیم که از اخلاق بحث کنیم. تا زمانی که قانون رعایت نشود، نمی‌توان مفهوم درستی از اخلاق به دست داد. به طور مثال در روزنامه‌ها، روزنامه‌نگار خیلی کارها می‌تواند انجام بدهد که به لحاظ قانونی هم نمی‌توان به پروپايش پیچید. فرض کنیم که او با کسی دشمنی دارد یا با گروهی یا با سازمانی؛ سعی می‌کند هر حرکت آن شخص، جناح، گروه یا مؤسسه را به بدترین شکل مطرح کند و خیلی کارها را ناحق جلوه دهد. این کار از نظر اخلاقی درست نیست و اگر همه بخواهند از این زاویه با مسائل برخورد کنند، شرایط بسیار نامناسبی در جامعه ایجاد می‌شود ولی مشکل ما فعلاً این نیست. مشکل ما در حال حاضر قانون است. اگر روزی رسید که ما قانون را اجرا کردیم، می‌توانیم از اخلاق صحبت کنیم. جامعه‌ای که در آن قانون به طور کامل رعایت نمی‌شود، چرا از اخلاق حرف می‌زند. اخلاق با ظریف‌ترین بخش احساسات آدمی سروکار دارد؛ چطور افرادی طرفدار اخلاق شده‌اند که به اساسی‌ترین قوانین بی‌توجهی می‌کنند. این روزها فحاشترین آدم‌ها هم دم از اخلاق می‌زنند؛ اخلاق پوششی شده برای اینکه بعضی‌ها چهره زشت و ضدقانونی خود را پشت آن پنهان کنند. من هیچ دلیلی نمی‌بینم که قبل از بحث قانون وارد بحث اخلاق بشوم. مسأله اخلاق فرع بر قانون است. اگر ساختمانی را در نظر بگیریم؛ قانون مثل ستون‌های ساختمان است و اخلاق مثل دیگر بخش‌های آن. اگر ساختمانی ستون نداشته باشد، ما درباره



■ حمیرا حسینی یگانه: بیان ویژگی‌های اخلاق مطبوعاتی، نیازمند یک کار عمیق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است. همچنین باید در این میان اصول اعتقادی و ارزشی را هم از نظر دور نداشت.

فحاشتر و بداخلاق‌تر هستند و خود را پشت قدرت، پنهان می‌کنند. اگر آزادی به مفهوم قانونی وجود داشته باشد، افراد مسؤول‌تر خواهند بود. اصلاً چه کسی اخلاق و اصول حرفه‌ای را رعایت نمی‌کند؟ مثالی از فروشندگانه می‌زنم: مغازه‌داری که ۳۰ سال است مغازه دارد، تقلب نمی‌کند و به سود کم هم قانع است. اما کسی که امروز آمده و می‌خواهد بارش را ببندد و برود، راهی به جز تقلب بلد نیست. کسی می‌تواند روزنامه‌نگار باشد و اخلاق و قانون را مراعات کند که ریشه داشته باشد. مطبوعات ما اغلب ریشه ندارند، آدم درست‌وحسابی کمتر در این مجموعه دیده می‌شود. در کشورهای دیگر کمتر دیده می‌شود که دبیر سرویسی کارش را ول کند و برود در یک شغل دیگر کار کند. اما شما چند دبیر سرویس می‌شناسید که وقتی پیشنهاد مدیرکلی به آنها بشود، کار خود را رها نکنند؟ رعایت اخلاق یک مسأله ذهنی است. من چرا مجبورم اخلاق را رعایت کنم؟ چون نیاز من است و چون اخلاقی، ضرورت زندگی است. در مطبوعات ما، آن کس اخلاق را رعایت نمی‌کند که از سربیکاری به این حرفه رو آورده باشد و بخواهد در اولین فرصت در برود. وقتی آزادی باشد، نشریات می‌توانند جایگاه خود را داشته باشند و در آن صورت آدم‌های درستی در روزنامه‌ها خواهند بود ولی اگر چنین نباشد، آدمی که سرش به تنش بیارزد، کمتر در مطبوعات خواهد ماند.

روزنامه‌نگار کسی است که اگر فردا شغلش را از او بگیرند، انگار هویتش را گرفته باشید. ولی امروز اگر شغل روزنامه‌نگاری را از او بگیرند، به راحتی دنبال کار دیگری می‌رود. ببینید! کسی که قرار است در روستا بماند، هنجارهای روستا را رعایت می‌کند ولی اگر قرار باشد کسی فقط یک هفته در روستا باشد، ممکن است هرکاری دلش خواست انجام دهد. بعضی از روزنامه‌نگاران ما هم که هنجارهای اخلاقی این حرفه را رعایت نمی‌کنند، مثل این افراد هستند. یعنی قرار است یک هفته بمانند و هرکاری دلشان خواست انجام دهند. آنها هم که چنین نیستند، به منش فردی آنها ارتباط دارد نه به صفت روزنامه‌نگار بودنشان. در صورتی که لازم است جماعت روزنامه‌نگار به عنوان یک صنف به رعایت بعضی مسائل موظف باشند. ما چنین فضایی نداریم. ما اصلاً صنفی به نام صنف روزنامه‌نگار نداریم. درست مثل

چه چیزی می‌خواهیم صحبت کنیم». عباس عبدی درباره قوانین موجود مطبوعاتی می‌گوید: «من در قانون چیز بدی نمی‌بینم. بعضی قوانین را داریم که به وظایف مربوط است؛ به‌طور مثال اگر کسی می‌خواهد امتیاز نشریه‌ای را بگیرد، باید مشخصاتی داشته باشد و بداند که چه کارهایی را می‌تواند انجام بدهد و چه کارهایی را نمی‌تواند. من خلافی در این موارد ندیده‌ام. البته ممکن است تنظیم این قوانین مشکل داشته باشد، اما خلاف اخلاق نیست.»

می‌پرسیم: «یعنی شما روی مفاد قانون بحثی ندارید؟»

پاسخ چنین است: «نه. در حال حاضر، مشکل ما اجرای قانون است. برای اینکه ما از اخلاق صحبت کنیم، باید این دو فاکتور وجود داشته باشد:

۱. در امر مطبوعات، قانون دقیق حاکم باشد.
 ۲. به آزادی، میدان داده شود.
- آزادی به معنی دقیق خود، مسؤولیت‌آور است. آنها که کمتر از آزادی دفاع می‌کنند،


معنای هر کدام، کاملاً به نظام اخلاقی و مجموعه ارزش‌های ما وابسته است. ما نمی‌توانیم مسؤول اعمال خود باشیم، مگر آنکه آزاد باشیم. از آنجا که روزنامه‌نگار آزاد نیست - حداقل به مفهوم نهادی - نمی‌تواند مسؤول شناخته شود. از طرف دیگر، او ممکن است یک «فرد» آزاد و به‌طور قطع دارای انتخاب آزاد باشد. او می‌تواند دستورهای ناشر خود را اجرا کند یا نکند. او آزاد است که به کار خود ادامه دهد یا آن را ترک کند. او آزاد است که در صورتی که تنبیهی در کار است، آن را بپذیرد و مثلاً به زندان برود و از آنجا که دارای این آزادی‌های فردی است، با توجه به احساس وظیفه فردی خود عمل کند.»^{۳۲}

از روزنامه‌نگاران خواستیم که ارزیابی خود را از «مفهوم کلی اخلاق در قلمرو مطبوعات» توضیح دهند. پاسخ‌ها چنین است:

میشو بدیعی:

«به‌طور کلی اخلاق، مفهوم و پایه‌های بنیادی و اصولی فرهنگ یک جامعه است. جامعه بدون اخلاق نوعی جامعه حیوانی است که خوی حیوانی و ددمشی در آن رواج دارد. در حقیقت آنچه که جامعه سرمایه‌داری غرب را بیش از هر چیز دیگری رنج می‌دهد، رواج بی‌اخلاقی و پایبند نبودن افراد به موازین فرهنگی چنین مقوله‌ای است. به همین دلیل وجود اخلاق در قلمرو مطبوعات نه تنها ضروری و لازم است بلکه اصل بسیار مسلمی برای ادامه کار مطبوعاتی است. به بیان دیگر مطبوعات بدون اخلاق مطبوعاتی بی‌هویت، سرگشته و افسارگسیخته هستند که هیچ اصلی را رعایت نمی‌کنند و در زمینه حفظ حقوق و هويت شهروندان و خوانندگان خویش پایبند هیچگونه موازینی نیستند. در حال حاضر در مطبوعات کشور ما مفهوم اخلاق تعریف نشده و غیرقانونمند است. به عبارت دیگر هر نشریه و روزنامه‌ای به دلخواه خود سعی می‌کند که اخلاق را رعایت کنند. این مسأله نوعی آنارشیزم (هرج و مرج) در رعایت اخلاق مطبوعاتی به وجود آورده است. فلان نشریه، هتاک و تهمت زدن به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را (بدون دلایل مستند، کافی و واقعی) در حکم انتقاد می‌داند و این کار را از بُعد اخلاقی موهن و زشت نمی‌پندارد و نشریه دیگر به بهانه رعایت اخلاق از انجام دادن اصلی‌ترین وظایف حرفه‌ای خود که همان طرح مسائل و مشکلات اجتماعی و انتقاد

روزنامه، اگر هر روزنامه به‌طور متوسط ۱۶ صفحه باشد، در مجموع می‌شود ۹۶۰ صفحه. اگر در هر صفحه ده‌هزار کلمه باشد، می‌شود نه‌میلیون کلمه در هفته. اگر شما در این نه‌میلیون کلمه، نه کلمه پیدا کنید که از حقوق ملت نوشته باشند، من نه‌هزار تومان به شما جایزه می‌دهم! خیلی ساده است، چشم‌بندی هم نیست. اما همه آنچه که گفتم به این معنی نیست که روزنامه‌نگاران واقعی خود را کنار بکشند. هیچکس نمی‌تواند خود را از وظایفی که دارد مبرا کند، هیچکس هزینه خود را به تنهایی نپرداخته، از هزینه این ملت است که کسی به جایی رسیده، پس باید این دین را ادا کند. آنها که شایستگی دارند، عقب‌نشینی نکنند



■ عباس عبیدی: هنجارهای قانون، اخلاق، عرف و رسوم و... از مهمترین هنجارهای اجتماعی هستند. آنچه ضمانت اجرا دارد و جدی‌تر است، هنجار قانون است.

■ اگر به مرحله‌ای برسیم که قانون را اجرا کنیم، شایستگی آن را پیدا می‌کنیم که از اخلاق بحث کنیم.

و دستفروش‌ها؛ ما صنف دستفروش‌ها هم نداریم. صنف آهنگر داریم ولی صنف روزنامه‌نگار نداریم. خود شما چند روزنامه‌نگار می‌شناسید که همدیگر را درست نقد کنند یا از هم دفاع کنند. اگر ما شرایط مناسبی داشته باشیم، گونه‌هایی قوی‌تر و قدرتمندتر از گونه‌های فعلی روزنامه‌نگاران خواهیم داشت.»

– آقای عبیدی! مهمترین مشکلات اخلاقی مطبوعات ما را در چه چیزهایی می‌بینید؟

□ اینکه مطبوعات ما در قالب قانون محدود نمی‌شوند و چون در قالب قانون محدود نمی‌شوند، اصلی‌ترین هنجارهای اخلاقی مرتبط با قانون در آنها محلی از اعراب ندارد. این هنجارها می‌تواند توهین نکردن به دیگران، چاپ پاسخ و یا مهمتر، دفاع کردن از حق و حقوق آدمیزاد باشد. اگر آزادی‌کمرنگ باشد، مطبوعات کار خود را خوب انجام نمی‌دهند. مطبوعات ما، مهمترین هنجارها را رعایت نمی‌کنند و آن دفاع از حقوق ملت است.

بیايد محاسبه کنید؛ ده روزنامه را در نظر بگیرید از شنبه تا پنجشنبه، می‌شود ۶۰

و ضرورت رعایت اخلاق و حاکمیت قانون را نشان بدهند.»

اخلاق در قلمرو مطبوعات

اخلاق در فرهنگ معین «طبیعت باطنی و سرشت درونی»^{۳۱} معنی شده است، ولی واقعاً در مطبوعات از اخلاق می‌توان به عنوان طبیعت باطنی نام برد؛ در حیطه مطبوعات، اخلاق با واژه‌هایی چون مسؤولیت اجتماعی، وظیفه، تعهد، تقدس، حرمت، آزادی، جسارت، شجاعت، شهامت، آگاهی، حقوق مخاطب و بسیاری واژه‌های دیگر ارتباط نزدیک پیدا می‌کند و شاید به همین دلیل باشد که مباحث مربوط به اخلاق روزنامه‌نگاری معمولاً با آشفتگی همراه است و این تنها در مورد واژه اخلاق نیست بلکه درباره واژه‌های نزدیکی چون مسؤولیت اجتماعی نیز چنین است. دکتر هربرت ایشول - استاد روزنامه‌نگاری - می‌گوید: «مشکل ما در بررسی اصطلاح مسؤولیت اجتماعی مشابه مسأله‌ای است که با واژه آزادی داریم. هیچ‌یک از این دو واژه را نمی‌توان به شکلی جامع تعریف کرد.

کردن به روش صحیح است، خودداری می‌کند. اگر مفاهیم عمیق اخلاق در قلمرو مطبوعات شناخته شده و قانونمند شود و تحت ضوابط مشخص در بیاید دیگر هیچکس از عدم رعایت اخلاق در مطبوعات کشور سخن نخواهد گفت.

مسعود شهامی پور:

تصور می‌کنم که همگامی با عرف جامعه و پیروی از هنجارهای اجتماعی را می‌توانیم به‌عنوان مفهومی عام از موضوع اخلاق بپذیریم. یا لاقلاً موضوع «اخلاق» را با چنین تعبیری شناخته‌ایم. هرچند بر این باورم که هنجارهای اجتماعی در دوره‌های متفاوت تاریخی و سیاسی، تابعی از متغیرهای بسیار است، به ترتیبی که یک اصل اخلاقی در دوره‌های مختلف، شاید برانگیزنده داوریهایی مغایر با هم باشد، ولی اگر به اخلاق در قلمرو مطبوعات از چنین منظری بنگریم، در این صورت حرکت در چنین مرزهای عرفی جامعه را برای مطبوعات بسیار دشوار و در برخی موارد غیرممکن می‌دانم. چرا که آن وقت باید برای پرسش‌های بسیاری که در تلقی عامه از «هوچیگری»، «شاتاژ»، «انتقاد» و... موجود است و اغلب به رفتار مطبوعاتی نسبت داده می‌شود، پاسخ‌های شایسته و قانع‌کننده یافت. به‌طور کلی اخلاق در مطبوعات را مقوله‌ای خاص با مرزهای قطعی می‌دانم که در سایه پایبندی به اصول و موازین خبررسانی و انتشار خبر - که تقدس حرفه‌ای دارد - قابل تعریف است.

حمیرا حسینی یگانه:

فروق اخلاق با دیگر امور در این است که کارهای اخلاقی قابل ستایش و تحسین هستند و برای آنها ارزش مادی متصور نیست. در حیطه فردی، اخلاق و تخلق به ویژگی‌های خاص منجر به اصلاح فرد و نهایتاً رابطه افراد می‌شود. در عرصه مطبوعات اخلاق ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. از یک سو مطبوعات شکل‌دهنده فرهنگ عمومی جامعه و افکار عمومی هستند و از سوی دیگر، روزنامه‌نگاران نمایندگان مردم در امر خبررسانی. در واقع مطبوعات و افراد وابسته به آن از سویی باید کانون اصلاح باشند و از بعد کلان، مریی و مروج اخلاق در جامعه. وقتی اصلاح و افساد جوامع در گرو اصلاح و فساد رسانه‌ها تعبیر می‌شود، این مسأله رسالت مطبوعات را نشان می‌دهد. یعنی روزنامه‌نگار رسالت عظیم

سازندگی را بردوش دارد، فلذا، در وهله اول او باید فردی امین، متقی، متخلق به اخلاق حسنه، جسور، صادق و... باشد تا بتواند در امر خبررسانی و نمایندگی بین مردم و نهادهای حکومتی نقش خود را به خوبی ایفا و در گام بعدی بتواند اخلاق و آداب را در جامعه ترویج کند.

در بعد ارزشی باید گفت افرادی که قلم در دست دارند، باید خود را مسؤول بدانند و با قصد ارشاد و اصلاح با انصاف و عدل قلم بزنند زیرا لغزش قلم‌ها، ملت‌ها را می‌لغزاند. پس چارچوب‌های اخلاق در عرصه مطبوعات باید عمیق‌تر و فراگیرتر باشد.

اسماعیل عباسی:

در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی، اخلاق فراتر از یک ویژگی رفتاری، مفهوم گسترده‌ای پیدا می‌کند و به همین نسبت توقع و انتظار مردم از مطبوعات را می‌توان تعریف کرد. در واقع، اخلاق در حیطه وظایف و کارکرد مطبوعات، بخش مهمی از رسالت این رسانه را تشکیل می‌دهد. دریافت و انتقال درست اخبار و رویدادها، افشای کژی‌ها و نادرستی‌ها، موضع‌گیری آشکار نسبت به همه موانعی که بر سر راه رشد و شکوفایی اندیشه و آزادی وجود دارد، بخشی از اخلاق مطبوعاتی را تشکیل می‌دهد. در عین حال اخلاق در حیطه مطبوعات و فعالیت‌های مطبوعاتی با توجه به فرهنگ و مبانی ارزش‌ها در جوامع گوناگون قابل تعریف و تعمیم است.

فریبرز بیات:

اخلاق از نظر جامعه‌شناسی یعنی رعایت حقوق و انتظارات اجتماعی از روی میل و اختیار. این انتظارات اجتماعی از یک سو شامل تأمین نیازها و رعایت حقوق مردم می‌شود و از سوی دیگر توجه و ترویج ارزش‌های فرهنگی، ملی و دینی را در برمی‌گیرد.

اخلاق و انتظارات اجتماعی در کلی‌ترین حالت خود شامل چهار ارزش و مبانی زیر می‌شود:

۱. صداقت و راستگویی؛
۲. انصاف و برابری؛
۳. امانت‌داری؛
۴. وفاداری و احساس مسؤولیت اجتماعی.

این چهار ارزش از یک سو حالت کلی دارند، یعنی همه نظام‌های ارزشی و اخلاقی به

■ مباحث مربوط به اخلاق روزنامه‌نگاری معمولاً با آشفته‌گی همراه است و این تنها در مورد واژه اخلاق نیست بلکه درباره واژه‌های نزدیکی چون مسؤولیت اجتماعی نیز چنین است.



آنها معتقدند، از سوی دیگر حسن و قبح آنها مطلق است یعنی هیچ کسی نیست که بگوید صداقت بد است و دروغ خوب است یا انصاف درست نیست و تبعیض خوب است.

در عرصه کار مطبوعاتی و خبرنگاری چنانچه ما بتوانیم به یک تعریف عملی و تجربی از این چهار ارزش اخلاقی بنیادین دست یابیم یک کار خبری متعهدانه و حرفه‌ای ارائه کرده‌ایم. مردم از مطبوعات می‌خواهند آئینه تمام‌نمای انعکاس حقایق باشند. به عبارت دیگر واقعیات را همانگونه که هست و بدون کمترین دخل و تصرف، صادقانه و سریع و به موقع منعکس کنند. علاوه بر این مردم از مطبوعات انتظار دارند با مسائل منصفانه برخورد کنند و در طرح مسائل و مشکلات یا دیدگاه‌ها و اخبار یک جانبه عمل نکنند و محل تعاطی افکار و اندیشه‌ها باشند.

گذشته از اینها مطبوعات به عنوان رکن چهارم یک جامعه مدنی، متعهد به دفاع از حقوق مردم و نظارت بر حسن اجرای امور توسط دستگاه‌های اجرایی می‌باشند. احساس تعهد و مسؤولیت نسبت به جامعه و

ارزش‌های ملی، دینی و منافع و امنیت ملی نیز از جمله انتظارات به حق مردم از مطبوعات است.

ارتباط اخلاق با اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاران مخاطب، در پاسخ به این سؤال که «اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را تا چه اندازه در ارتباط با اخلاق می‌بینید» نظرات متفاوتی دارند.

اسماعیل عباسی معتقد است: «مبانی روزنامه‌نگاری با توجه به نقش فردی روزنامه‌نگار در خدمت به جامعه، بر اخلاق استوار است. شیوه‌های رفتاری روزنامه‌نگار در برخورد با رخدادهای اجتماعی می‌تواند بازتاب گسترده‌ای داشته باشد و مراتب از یک واکنش فردی فراتر است. دریافت نادرست خبرنگار از یک واقعه به عمد یا غیرعمد، در تیراژ گسترده‌ای، میلیون‌ها مخاطب را آماج قرار می‌دهد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری عظیم گرداندگان وسایل ارتباط جمعی در حکومت‌های سلطه‌گر، با هدف جهت دادن



■ فریبرز بیات: ترکیبی از

ارزش‌های اخلاقی بنیادین،

نیازهای مخاطبان و

ارزش‌های ملی، ما را به

آنچه «سلیقه ملی» می‌نامیم

می‌رساند که در واقع،

خطوط اصلی اخلاق

مطبوعاتی را مشخص

می‌کند.

انکار عمومی انجام می‌شود. فقدان اخلاق روزنامه‌نگاری می‌تواند در چنین شرایطی، قلم‌بدستان مطبوعات را به صورت ابزاری کارآمد در مسیر اهداف خاص و حتی ضدبشری قرار دهد. اخلاق در اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به صورت یک عامل بازدارنده مثبت، پاسدار حقوق و ارزش‌های جامعه و حفظ حرمت مردم و آزادی‌های قانونی است.»

حمیرا حسینی یگانه در این باره می‌گوید: «بی‌شک احترام به حریم افراد، شؤن اسلامی، منافع عمومی، ارزش‌های جهانی، ارتقای نظم، امحای جنگ و... کلیه مواردی که در اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مندرج است در همه جوامع و ملیت‌ها محترم می‌باشد. اما نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که در چارچوب فرهنگ‌های ملی، فرم‌ها و عرف‌ها در شکل‌گیری اخلاق نقش بسزایی دارند و مسائل اخلاقی را باید در بُعد خردتر از منظر فرهنگ و آداب و رسوم ملی و سرزمینی بررسی کرد. مسأله دیگر اینکه برخی از اصول حرفه‌ای نه تنها در راستای اخلاق روزنامه‌نگاری در کشور ما محسوب نمی‌شوند، بلکه مغایر با آن نیز هستند. در حال حاضر افزایش تیراژ، جذب مخاطب به هر قیمت، خبرآوری و... از اصول شناخته شده روزنامه‌نگاری در جهان است. حال آنکه برخی از این موارد با فرهنگ عمومی مردم ما همخوانی نداشته و منجر به سلب اعتماد می‌شود. ممکن است آرایش «تیتری» در روزنامه با تمام اصول حرفه‌ای سازگار باشد ولی اگر محتوای خبر با تیترو همخوانی منطقی (منطبق با فرهنگ هر جامعه‌ای) نداشته باشد، نتیجه چیزی جز بی‌اعتمادی نخواهد بود. و از نظر عرف و اخلاق جامعه ما غش و دروغ خواهد بود.

متأسفانه یکی از اصطلاحات رایجی که در بین روزنامه‌نگاران ما وجود دارد، «فرهنگ مرده‌شویی» است. برای ما که در این عرصه سابقه طولانی نداریم، ابتدا این اصطلاح مفهومی نداشت ولی به مرور دریافتیم که گویی رمز بقا در این حرفه، تمسک به این فرهنگ است و در واقع رواج خصلت بی‌تفاوتی در امر خبررسانی و صرف اتکا به «خبر» بدون توجه به پیامدهای آن. به نظر می‌رسد رواج چنین خصایلی در مطبوعات «مرگ» و «رکود» را به همراه خواهد داشت و در مقابل آن احساس مسؤولیت نسبت به کلمه کلمه‌ای که نگاشته

می‌شود، منجر به رشد و شکوفایی مطبوعات خواهد شد.»

مسعود شهامی‌پور اخلاق و تعهد را در حیطه کار روزنامه‌نگاری غیرقابل تفکیک می‌داند و می‌گوید: «به دلیل اینکه وظایف اصلی روزنامه‌نگار در حوزه انتشار خبر، انعکاس نیازهای جامعه مخاطب و ایجاد ارتباط بین نهادهای مستقر در جامعه با مخاطبان، مجموعه تعهدات یک روزنامه‌نگار را تشکیل می‌دهد. حالا آیا تخطی از این تعهدات را می‌توانیم یک عمل اخلاقی بدانیم؟ به عبارت بهتر عمل به مسؤولیت‌ها و تعهدات حرفه‌ای خبرنگار، شاخص رفتار اخلاقی روزنامه‌نگار است.

در همین جا باید به پاسخ نخست توجه دهم که آنچه عرف عامه در جامعه است و یا حتی مراکز قدرت می‌پسندند، گاه با رفتار اخلاقی مطبوعات در تناقض قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در حوزه نقد، چگونه می‌توان رعایت اخلاق را نمود، تا هم مخاطبان نقد و هم خوانندگان راضی باشند؟ در همین بخش، گرایش به هر سمت از دیدگاه مقابل یک عمل غیراخلاقی تلقی می‌شود. تصور این است که پایبندی به اخلاق جز با وفاداری به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری ممکن نیست. این اصول نیز تعاریف صریح و بی‌گفت‌وگویی دارند. منجمله حفظ حرمت اشخاص، خانواده، جامعه و در برابرش، دفاع از حریم رسانه و در کنار همه اینها، نقش اعتراضی روزنامه‌نگار به کژی‌ها، ناهنجاری‌ها و آنچه که به هر تقدیر در حیطه خشک اخلاقی، شاید عملی غیراخلاقی شمرده می‌شود.»

مینو بدیعی به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد: «موازن حرفه‌ای و یا به قول شما اصول حرفه روزنامه‌نگاری در ارتباط با اخلاق قابل تبیین است. به دیگر سخن اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری شامل موارد زیر است:

۱. رعایت تکنیک‌ها و اصول علمی روزنامه‌نگاری؛
 ۲. حمایت از اصل آزادی بیان؛
 ۳. گسترش آگاهی‌ها و اطلاعات اجتماعی افراد؛
 ۴. انجام دادن وظیفه سترگ اطلاع‌رسانی؛
 ۵. توجه به مسائل و مشکلات مردم و طرح آنها در مطبوعات؛
 ۶. انجام رسالت آموزشی.
- و از همه اینها مهمتر توجه به رعایت


اصول اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری، با در نظر داشتن اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری است که حد و مرز آزادی بیان و انتقاد مشخص می‌شود و از حریم قانونی، حقوقی و اجتماعی افراد حمایت می‌گردد و در چارچوب اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری است که خبرنگار بدون آلوده شدن به برخی از موازین غیراخلاقی در حیطه روزنامه‌نگاری می‌تواند فعال باشد. براساس اصول اخلاقی هم خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و هم خوانندگان احساس امنیت و آرامش خاطر می‌کنند. اخبار و اطلاعات بدون هیچ نوع زدوبند غیراخلاقی در اختیار میلیون‌ها خواننده روزنامه، نشریه و مجله گذاشته می‌شود. در چارچوب رعایت امنیت اخلاقی در مطبوعات همه به صحت و سقم اطلاعات، اخبار، مطالب، مقالات، گزارش‌ها و... چاپ شده می‌توانند اعتماد و اطمینان کامل داشته باشند. در سایه رعایت اخلاق مطبوعاتی است که اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند اطمینان داشته باشند که هویت اجتماعی و شخصیت مدنی آنان در مطبوعات مخدوش نخواهد شد.»

عوامل مهم در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری

یکی دیگر از سؤالات مشترکی که از روزنامه‌نگاران شده، این است که چه عواملی را در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری مؤثر و چه موانعی را در این مسیر تعیین کننده می‌دانند. فربرز بیات اولین گام را «تلاش برای تعریف تجربی و عملیاتی از چهار ارزش بنیادین: صداقت، انصاف، امانت‌داری و تعهد اجتماعی» می‌داند. او می‌گوید: «گام دوم در شناخت نیازها، علائق و روانشناسی مخاطب قرار دارد. متأسفانه مطبوعات ما فاقد تصویری روشن از مخاطبین خود و نیازها و علائق آنها هستند. این مسأله موجب شده است که آنها تیر در تاریکی رها کنند. به همین دلیل علی‌رغم تلاش زیاد، مطبوعات ما در جذب مخاطب چندان موفق نبوده‌اند؛ تیراژ اندک مطبوعات در جامعه ما در مقایسه با سایر کشورها و نسبت به جمعیت باسواد کشور دلیلی بر این مدعاست. گام سوم در این راه داشتن تصویری روشن از هنجارها و ارزش‌های ملی و دینی است که توسط هنجار فرستان، ارزش‌گذاران و مسؤولین جامعه مشخص می‌شود. به نظر من ترکیبی از ارزش‌های اخلاقی بنیادین، نیازهای مخاطبان

و ارزش‌های ملی ما را به آنچه من «سلیقه ملی» می‌نامم می‌رساند که در واقع خطوط اصلی اخلاق مطبوعاتی ما را مشخص می‌کند. مینو بدیعی، رشد فرهنگی جامعه و ارتقای سطح فرهنگ در عرصه مطبوعات را از عوامل مهم در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری می‌داند. او می‌گوید: «متأسفانه از گذشته‌های دور نوعی لمپنیسم که سبب کم‌رنگ شدن اخلاق مطبوعاتی می‌شد، در جامعه مطبوعاتی کشور وجود داشته است که در حال حاضر نیز متأسفانه بقایای چنین مسأله‌ای در برخی از نشریات وجود دارد. «لمپنیسم مطبوعاتی»

■ اسماعیل عباسی: اخلاق در اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به عنوان یک عامل بازدارنده مثبت، پاسدار حقوق و ارزش‌های جامعه و حفظ حرمت مردم و آزادی‌های قانونی است.



رعایت حد و حدود مرزهای آن ندهند. مسعود شهامی‌پور به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد: «نمی‌دانم منظور از تکوین عملی اخلاق یعنی چه! اگر منظور عواملی است که مانع از رفتار اخلاقی یک روزنامه‌نگار می‌شود، این امر به منافع رسانه بستگی دارد که روزنامه‌نگار را و می‌دارد در جهت دیگری در قبال یک موضوع خاص، پیش از عمل به تعهدات حرفه‌ای خویش، منافع رسانه خود را در نظر بگیرد. صاحب رسانه، صاحبان آگهی و صاحبان قدرت سیاسی، هر کدام می‌توانند به عنوان عوامل مخل اخلاق روزنامه‌نگار شناخته شوند.»

اسماعیل عباسی وجود بستر مناسب برای بالندگی اندیشه را زمینه‌ساز رشد اخلاق عملی روزنامه‌نگاری می‌داند. او اعتقاد دارد: «روزنامه‌نگاران همچون پزشکان سوگندنامه‌ای دارند. این سوگندنامه شاید بر لوحی نوشته نشده باشد، اما در جای جای حقوق جامعه حضور آشکار و مؤثر دارد. وجود بستر مناسب برای تعاطی افکار و بالندگی اندیشه، زمینه‌ساز رشد و تکوین اخلاق عملی در همه زمینه‌ها از جمله حرفه روزنامه‌نگاری می‌باشد. نبود چنین بستر و زمینه‌ای به هر دلیل، سقوط اخلاق و

بدین معناست که اصول و موازین حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه‌نگاری در برخی مطبوعات کشور دچار «کم فرهنگی» و یا متأسفانه نوعی «بسی فرهنگی» می‌شود. در چنین شرایطی مسائل اخلاقی در مطبوعات مشخص نیست. یعنی نگرش «لمپنیستی» باعث می‌شود که مرزهای اخلاق در عرصه مطبوعات روشن نباشد. عامل دیگری که در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری مؤثر است، افزایش سطح سواد و اطلاعات حرفه‌ای در بین خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و مدیریت‌های روزنامه‌ها و مسجلات است. در همان حال نقش مدیریت‌های مطبوعات در ارتباط با شکل‌گیری اخلاق مطبوعاتی بسیار بارز است. از آن گذشته تدوین نظامنامه حرفه‌ای مطبوعاتی که وضعیت شغلی، رفاهی، معیشتی و اصول حاکم بر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری را مشخص می‌کند در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری تأثیر بسزایی خواهد داشت. علاوه بر آن، شکل صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز می‌تواند زمینه‌های تدوین و اجرای موازین عملی اخلاق در مطبوعات را فراهم کند. تأمین شغلی و رفاهی خبرنگاران نیز قادر است در امر گسترش اخلاق مطبوعاتی نقش قابل توجهی

ارزش‌ها را در پی خواهد داشت. بدیهی است حرفه روزنامه‌نگاری در چنان شرایطی در زمره نخستین قربانیان خواهد بود.»

حمیرا حسینی یگانه، تبیین جایگاه روزنامه‌نگار را مهمترین عامل تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری می‌داند و می‌گوید: «وقتی روزنامه‌نگار نمی‌داند کیست؟ و چه موقعیت و مسؤولیتی دارد، چگونه می‌توان از او انتظار داشت که در حفظ این رسالت به چنین ابزارهایی مجهز باشد. تبیین جایگاه خبرنگار مستلزم کار فرهنگی - تبلیعی، اصلاح بینش مسؤولان و... است. قدم بعدی، احترام و اجرای قانون مطبوعات است که در این زمینه، به جای پرداختن به نواحی قانون، ابعاد اثباتی آن باید مورد توجه قرار گیرد. وظایف متقابل مسؤولان و مطبوعاتی‌ها باید در قالب قانون تبیین شود نه اینکه فقط محدودیت‌های اهل قلم روزبه‌روز گسترش یابد و فضا برای فعالیت تنگتر شود. گزینش و انتخاب افراد نیز می‌تواند نقش مهمی در این میان داشته باشد. تخلق فرد به ویژگی‌های اخلاقی و رعایت حریم‌ها و احترام به ارزش‌ها، اخلاق روزنامه‌نگاری را غنای بیشتری می‌بخشد. در کنار عوامل

ایجابی، انتظارات بی‌جای مسؤولان و صاحبان قدرت، ضعف شخصیتی روزنامه‌نگار، فشارهای مضاعف اقتصادی و عدم تأمین از سوی مسؤولان مطبوعات و عدم تبیین جایگاه روزنامه‌نگاری در کشور، از مهمترین موانع شکل‌گیری و تعمیق اخلاق در عرصه مطبوعات است.

شیوه‌های نهادینه کردن اخلاق

«چه شیوه‌هایی را برای نهادینه کردن اخلاق در حرفه روزنامه‌نگاری پیشنهاد می‌کنید.» این سؤالی است که روزنامه‌نگاران به آن پاسخ می‌دهند:

حمیرا حسینی یگانه می‌گوید: «به نظر می‌رسد قانونمند کردن اخلاق و امور مربوط به رفتار و روحیات افراد، کار آسانی نباشد و این امر در گرو اصلاح فرهنگ عمومی و تغییر باورهای موجود است. می‌توان ویژگی‌های اخلاق مطبوعاتی را با شفافیت بیشتری بیان کرد که این کار نیازمند یک کار عمیق جامعه‌شناختی و روان‌شناسی است. همچنین باید در این میان اصول اعتقادی و ارزشی را هم از نظر دور نداشت. و در چارچوب اصول شناخته شده اعتقادی باید راهکارهای عملی

در عرصه اخلاق مطبوعاتی را شناسایی کرد. این امر به عهده محققان، اندیشمندان و روزنامه‌نگاران متعهد و با تجربه است.

نهادینه کردن اخلاق، نیازمند ساختن انسان‌هایی است که خود را در محضر خدا مسؤول ببینند. تمامی انبیا و اولیا آمدند تا انسانی بسازند متخلق به اخلاق الهی.»

فریبرز بیات به دو اهرم کنترل بیرونی و درونی برای نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «برای نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی دو اهرم مهم وجود دارد. اهرم نخست نوعی نظام کنترل بیرونی است که

درونی، نوعی خودکنترلی است که به قبول و رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی از روی میل و تمنا تأکید دارد. اهرم اصلی نظام کنترل اخلاقی نه فشار بیرونی جبری بلکه فشار گروهی و روابط صنفی است. به همین دلیل نیز من ایجاد تشکلهای صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را مهمترین ابزار برای نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی می‌دانم. چون معتقدم، صنف، خود به بهترین وجه می‌تواند بر رعایت اخلاق حرفه‌ای کار و نیز رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نظارت کند. علاوه بر این، صنف قادر خواهد بود از

■ مسعود شهامی‌پور: اخلاق در مطبوعات را مقوله‌ای حساس با مرزهای قطعی می‌دانم که در سایه پایبندی به اصول و موازین خبررسانی و انتشار خبر - که تقدس حرفه‌ای دارد - قابل تعریف است.



فشارهای بیرونی که مطبوعات را مجبور به عدم رعایت حقوق حرفه‌ای و ارزش‌های اجتماعی می‌کند نیز ممانعت به عمل آورد و از حقوق مطبوعات در برابر اهرم‌های فشار دفاع کند.»

اسماعیل عباسی، بر این اعتقاد است: «روزنامه‌نگاری یک حرفه مهم و حساس است. براساس تجربه‌های ارزشمند جهانی که جان‌های بسیاری در راه آن فدا شده است، روزنامه‌نگاران نیز به آیین‌نامه‌ها و مبانی استواری برای سالم نگهداشتن این حرفه دست یافته‌اند. امروزه در پس غبار غلیظی از نابرابری‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها و آلودگی وسیع حرفه روزنامه‌نگاری به اهداف و منافع جریان‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر و بهره‌کش، هنوز می‌توان اخلاق روزنامه‌نگاری را در نهایت سلامت یافت. پایبندی به اخلاق در این حرفه، در افشای بسیاری از جنایات، تبهکاری‌ها، سرکوب‌ها و قراردادهای ظالمانه و جنگ‌های استعماری نظیر خونبارشی که بیش از چند دهه مردم جنوب شرقی آسیا به ویژه ویتنام و یا کشورهای قاره آفریقا را فرا گرفته بود، نقش اصلی را داشته و کوس رسوایی سیاستمداران رشوه‌خوار و فاسد را بارها به

توسط قانون مطبوعات، هیأت منصفه و دادگاه‌های مطبوعاتی تأمین می‌شود. در اینجا داشتن قانون مطبوعاتی که نه فقط به تکالیف بلکه بر حقوق و آزادی‌های مطبوعات به‌طور صریح تأکید کرده باشد، بسیار ضروری است. فکر می‌کنم قانون فعلی مطبوعات علی‌رغم نقاط مثبت از این نظر قابل ایراد است، مثلاً جرائم را با صراحت مشخص نکرده و یا بعضی مواد آن بسیار مبهم و قابل تعبیر و تفسیرهای متضاد است. علاوه بر قانون، وجود مجریانی صالح و کاردان که به کار مطبوعاتی نیز آشنایی داشته باشند، ضروری است. به نظر من هیأت منصفه فعلی مطبوعات و هیأت نظارت بر مطبوعات از این نظر قابل اشکال هستند.

اما در نهایت نظام کنترل بیرونی سهم اندکی در نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی خواهد داشت. چرا که نظام کنترل قانونی در واقع نوعی نظام تنبیهی است که به اهرم‌هایی چون نفع در رعایت قانون و یا ترس از تنبیه در صورت تخلفی از آن تأکید می‌کند و کمتر قادر است باور درونی و وجدانی روزنامه‌نگاران را نسبت به قانون تقویت کند. به همین دلیل در نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی، نظام کنترلی درونی مورد تأکید من است. نظام کنترل

صدا درآورده است. برای دستیابی به اخلاق روزنامه‌نگاری، تنظیم یک نظامنامه جامع مبتنی بر حفظ آزادی‌های قانونی مطبوعات، می‌تواند گام نخست باشد. در این نظامنامه، برخورد با انحرافات و کژروی‌ها برای حفظ سلامت این حرفه مقدس، می‌تواند جایگاه لازم را داشته باشد.»

مسعود شهامی‌پور، برای نهادی کردن اخلاق مطبوعاتی به این شیوه اعتقاد دارد: «التزام عملی روزنامه‌نگاران به حفظ شرافت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، که این همه در سایه امنیت شغلی و حمایت قانونی از روزنامه‌نگار به حیطة عمل درمی‌آید به شرط آن که روزنامه‌نگاران التزام وجدانی به اخلاق حرفه‌ای را در خود بیابند. در این صورت روزنامه‌نگار در قبال عمل به تعهدات حرفه‌ای خود که با اخلاق حرفه‌ای تجلی می‌یابد، دغدغه بیکاری، تعقیب قانونی و... را فراموش خواهد کرد.»

مینو بدیعی، شیوه‌های کوتاه‌مدت را مؤثر نمی‌داند و می‌گوید: «به نظر من شیوه‌های نهادینه کردن اخلاق در حرفه روزنامه‌نگاری در کوتاه‌مدت مؤثر نخواهد بود و در بلندمدت می‌باید به آموزش و تربیت روزنامه‌نگارانی پرداخت که اخلاق را در سرلوحه کارهایشان قرار دهند. به‌طور کلی شیوه‌های نهادینه کردن اخلاق روزنامه‌نگاری را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف: تدوین نظامنامه حرفه‌ای مطبوعاتی و نظارت بر اجرای دقیق آن؛

ب: مشخص ساختن اصول و موازین اخلاقی در نظامنامه مذکور؛

ج: نظارت و کنترل هر چه بیشتر مجوزهای انتشار روزنامه‌ها و نشریات و عدم صدور مجوز در شرایطی که مسائل اخلاقی صاحب‌امتیاز و یا مدیریت مسؤل نشریه مورد تأکید قرار نگرفته باشد؛

ه: در نظر گرفتن واحدهای درسی خاص بسرای «اخلاق روزنامه‌نگاری» در درس روزنامه‌نگاری رشته علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه‌ها؛

و. آموزش خبرنگاران در زمینه ضرورت اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری؛

ز: بررسی موازین اخلاقی روزنامه‌نگاری در مطبوعات پیشرفته جهان و تطبیق برخی از این اصول با فرهنگ مطبوعاتی در جامعه ما؛
ح: تأمین رفاه و امنیت شغلی خبرنگاران؛

ط: تشکیل اتحادیه و سندیکای خاص خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات.

مهمترین مشکلات اخلاقی مطبوعات

براساس آمار، تنها در سال ۱۹۹۵ میلادی، بیش از ۵۰ روزنامه‌نگار در جریان انجام وظایف خویش در جهان جان باخته‌اند و در این گوشه و آن گوشه جهان روزنامه‌نگاران بسیاری به جرم گفتن حقایق، در زندانها به سر می‌برند. آیا همین کافی نیست که نشان دهد، روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای دشوار، مقدس و گرامی است و آیا همین، روزنامه‌نگاران را متعهد نمی‌کند تا واقعیت را با گرانبهاترین چیزها عوض نکنند و بر اصول اخلاقی و حرفه‌ای پای بشارند. چرا که با توجه به ماهیت این حرفه، اخلاق جایگاه ویژه‌ای در آن می‌یابد و عدم رعایت اصول اخلاقی حرفه‌ای، مطبوعات را خنثی و حتی گاهی ضربه زنده به منافع مردم و باورهای فرهنگی و ملی معرفی می‌کند. از روزنامه‌نگاران پرسیدیم: «مهمترین مشکلات اخلاقی مطبوعات فعلی را در چه چیزهایی می‌بینید؟» پاسخ‌ها چنین بود:

مسعود شهامی‌پور: مهمترین مشکلات اخلاقی مطبوعات فعلی، برای روزنامه‌نگارانی بروز می‌کند که در گیرودار موضع‌گیری‌های سیاسی رسانه‌های متبوع خود، در ورطه جانبداری از مواضع رسانه و حفظ موازین اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری گرفتار می‌شوند. آنان باید بعضاً با شانتاژهای رسانه متبوع خود، در جهت اتهام‌ها و افتراهایی که علیه جناح‌ها و یا قشرهای ویژه و گروه‌های مختلف اجتماعی مطرح می‌شود، دمساز شوند. از دیگر سو، برخورد‌های جناحی که از موضع رسانه‌های گروهی اعمال می‌شود، شیوه‌های ژورنالیستی را طلب می‌کند که بعضاً با بی‌اخلاقی توأم است. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان پایبند به اخلاق مطبوعاتی بود، در آنجا که رقابت جناحی به سمت افشاگری‌های حرمت شکن میل می‌کند؟ به نظر می‌رسد که تضمین سلامت یک روند اخلاقی در حیطة کار رسانه‌ها، در عرصه‌ای فراتر از حوزه کار روزنامه‌نگاری تعیین می‌گردد.

اسماعیل عباسی: در روزگار ما، آشکارترین نشانه‌های مشکلات اخلاقی حرفه‌ای مطبوعات را می‌توان در بخشی از وسایل ارتباط جمعی انحصاری یافت. علت اصلی بروز این مشکل از یک سو متوجه منابهی

است که خواستار وارونه جلوه دادن اخبار و رویدادها، ارسال تحلیل‌های نادرست به میان مردم و سوءاستفاده از یک وسیله ارتباط جمعی می‌باشند و از سوی دیگر، روزنامه‌نگارانی که با زیرپا گذاشتن اصول حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه‌نگاری، به چنین تمهیدات ناسالمی تن در می‌دهند، به ایجاد و رشد مشکلات اخلاقی در این حرفه کمک می‌کنند.

فریبرز بیات: روزنامه‌نگاران ما در کار حرفه‌ای خود با مسائلی اخلاقی عدیدهای مواجه هستند که برخی از آنها چنین است:

- اگر در جایی گرفتن یک هدیه کوچک در قبال کار مطبوعاتی، کاری ضداخلاقی تلقی شود، در جای دیگر عدم تلاش برای رساندن اخبار درست به مردم می‌تواند ضدمعیارهای اخلاق مطبوعاتی باشد.

۱. بلاتکلیفی یا بی‌هنجاری: روزنامه‌نگار در اینکه آیا باید حوادث را همانگونه که هست منعکس کند یا خود را سانسور کند و تنها بخشی از واقعیت را گزارش کند، بلاتکلیف است. در برخی روزنامه‌ها و یا بعضی از سردبیرها به او آزادی کار خبری می‌دهند و در مواردی نه، این شیوه برخورد موجب شده است که روزنامه‌نگار ما دچار بی‌هنجاری یا آنومی می‌شود. یعنی نمی‌داند چه کند و یا اگر کدام کار را بکند، تشویق یا تنبیه خواهد شد.

۲. خودسانسوری: روزنامه‌نگار ما از آنجا که با معیاری عام و فراگیر نسبت به کار او برخورد نمی‌شود و قضاوت‌ها سلیقه‌ای است، ترجیح می‌دهد در مرز حداقل اطلاعات بماند و مابقی اطلاعات را خود سانسور کند چون نمی‌داند در صورت گزارش چنین اخباری با او چه برخوردی می‌شود!

۳. سلطه منبع: منابع خبری روزنامه‌نگاری به دلیل داشتن وجاهت سیاسی از چنان قدرت و اقتداری برخوردارند که به راحتی نظرات خود را به خبرنگار تحمیل می‌کنند و اجازه برخورد نقادانه و تحلیلی به او نمی‌دهند. بخش دیگر از این مشکل، به دانش علمی و تخصصی روزنامه‌نگار برمی‌گردد.

۴. عدم امنیت شغلی و محافظه‌کاری: مدیریت غیرحرفه‌ای مطبوعات و برخوردهای سلیقه‌ای در کار مطبوعاتی موجب شده است، خبرنگار ما از امنیت شغلی لازم برخوردار نباشد و همیشه نگران اخراج و تنزل مقام و رتبه باشد. به همین دلیل خبرنگار ترجیح می‌دهد کمتر نقد کند. او به محافظه‌کاری و پذیرش وضع موجود تن می‌دهد و در نتیجه کمتر به رسالت اخلاقی خود و تعهد به حقیقت‌گویی پایبند است.

۵. شناسختن مخاطب و دوری از مردم: روزنامه‌نگار ما به دلیل آنکه کمتر مجهز به دانش‌های موردنیاز چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است و نظریه‌های ارتباطات و تبلیغات را نمی‌داند، تصویر دقیق و روشنی از مخاطب ندارد. به عبارت دیگر او قادر به تشخیص تیپ غالب مخاطبان و علائق و نیازهای آنان نیست. این ضعف موجب می‌شود که او خود دست به گمانه‌زنی‌هایی بزند که چندان فراگیر و عام نیستند و یا تلاش می‌کند علائق و نیازهای خود را به همه مردم تعمیم داده و خود را نماینده تام و کامل مردم معرفی کند. در نتیجه مطالب، اخبار و گزارش‌های خبرنگار بیش از آنکه منعکس‌کننده معدلی از علائق و گرایش‌های خوانندگان باشد، ارضاکننده نیازها و کنجکاوای شخصی اوست. این مشکل به شکاف بین روزنامه‌نگار و مطبوعات با مردم دامن زده، موجبات سلب اعتماد آنها از مطبوعات را فراهم می‌کند.

۶. توهم «دانای کل» بودن: بخش دیگری از مشکلات اخلاقی روزنامه‌نگاران به این توهم برمی‌گردد که آنان ممکن است خود را در تشخیص نیازهای مردم داناتر و در نتیجه صالح‌تر بدانند. در چنین حالتی روزنامه‌نگار با توهم برتری اخلاقی، خود را مسوول هدایت و آموزش مردم به صورت یک‌طرفه می‌بیند و کمتر حاضر است به نیازها، مسائل، مشکلات و دیدگاه‌های مخاطبان اهمیت بدهد. مردم در این حالت توده‌ای عوام و ضعیف تلقی می‌شوند که قادر نیستند مصالح خویش را به درستی تشخیص دهند و نیازمند سرپرستانی دانا و هوشیار می‌باشند. در نظریه‌های ارتباطات از چنین مشکلی به عنوان «مقدم داشتن حق فرستنده اطلاعات بر حق گیرنده اطلاعات» نام برده می‌شود. منظور این است که خبرنگاران و ارباب جراید در اغلب موارد خود را برتر و بالاتر از مخاطب قرار می‌دهند و

بنابراین ترجیح می‌دهند همیشه آنچه را خود می‌پسندند مستقل کنند نه آنچه مخاطب می‌خواهد. در هر حال چنین مشکلی در نهایت ارتباط را «یک‌سویه» خواهد کرد، چرا که فرستندگان اخبار و اطلاعات به واکنش‌ها و بازخوردهای مخاطب کمتر اهمیت می‌دهند.

۷. نفع فردی در مقابل منافع جمعی: احساس مسؤلیت اجتماعی ایجاب می‌کند، خبرنگار همیشه و در همه حال منافع جمعی را

مطبوعاتی از سوی برخی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و نشریات. در این مورد می‌توان گفت که برخی دست‌اندرکاران مطبوعاتی با انجام برخی اعمال نادرست موازین اخلاقی روزنامه‌نگاری را زیر پا می‌گذارند. این موارد عبارتند از:

۱. گرفتن رشوه حتی در میزان اندک برای چاپ و درج یک خبر و یا گزارش؛
۲. مخدوش کردن نقش آگهی با خبر در



- مقدم بر نفع فردی و گروهی خود بدانند. اما در عمل، مرز بین این دو چندان واضح و روشن نیست و خبرنگار همواره در معرض این شبهه قرار دارد که نفع خود یا گروه خود را نفع جامعه جلوه دهد یا منافع خود را به منافع جامعه ترجیح دهد. برای بیرون رفتن از این محاصره پسایندی به قانون راهگشاست. قانون علی‌الاصول مبتنی بر تعیین حداقل‌هایی است که منافع جمعی را تأمین می‌کند. حال با این معیار می‌توانیم بگوئیم کسانی که قانون را بر نمی‌تابند و آن را زیر پا می‌گذارند یا کسانی که جلوتر از قانون می‌خواهند حرکت کنند و زیاده‌هایی را بر قانون تحمیل می‌کنند، به احتمال زیاد به دنبال منافع شخصی و گروهی خود هستند.
- البته مشکلات اخلاقی دیگری نیز در مطبوعات وجود دارد اما من فکر می‌کنم بسیاری از آنها به یکی از این مسائل کلان برمی‌گردد.
- مینو بدیعی: مهمترین مشکلات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری عبارتند از عدم تعهد لازم نسبت به جنبه‌های اجتماعی و رسالت برخی از نشریات؛
۳. اتهام بستن به برخی از افراد (بدون دلیل مستند و لازم)؛
۴. انجام برخی هتاک‌ها و دشنام‌هایی نادرست در قالب مقالات که شایسته یک خبرنگار و روزنامه‌نگار نیست؛
۵. ضعیف ظاهرشدن در برابر برخی از روابط عمومی‌ها و یا مدیریت‌های سازمان‌ها برای دریافت امتیازات مادی و معنوی؛
۶. پول گرفتن از برخی از افراد برای چاپ مقالات آنان؛
۷. دریافت هدایای غیرضروری که در حکم رشوه‌گیری است؛
۸. در مواردی کار برای روابط عمومی که خلاف تعهدها و موازین روزنامه‌نگاری است. حمیرا حسینی یگانه: بی‌تفاوتی، مماشات و محافظه‌کاری، مصلحت‌اندیشی، تبعیت و دنباله‌روی از نهادهای حکومتی، عدم شناخت مرزها و خطوط قرمز، عدم رعایت حرمت قلم (فحاشی در برخی مطبوعات، گزندگی برخی انتقادات به‌جای اصلاح) و....
- و شاید در یک کلام «عدم شناخت جایگاه

و رسالت مطبوعات» مهمترین عامل در رواج چنین معضلاتی است.

ارتباط نهاد سیاسی با اخلاق مطبوعاتی
از حمیرا حسینی یگانه درباره رابطه نهاد‌های سیاسی با اخلاق مطبوعاتی می‌پرسیم، می‌گوید: «ارتباط ناگسستنی بین فرهنگ سیاسی جوامع و نهاد‌های حاکم بر آن قابل انکار نیست. فرهنگ در جوامعی که قدرت، نهادینه و توزیع عادلانه شده است با فرهنگ جوامع استبدادی و دیکتاتوری تفاوت فاحشی دارد. حکومت‌های وابسته به فرد و یا گروه، افرادی مطلق، چاپلوس، منافق، ترسو، و محافظه‌کار پرورش می‌دهد. در چنین نظام‌هایی فرد برای حفظ منافع و از دست ندادن موقعیت خود چاره‌ای جز تبعیت کورکورانه ندارد. برعکس در نظام‌های متکی به قانون و حاکمیت مردم، کسب موقعیت‌های برتر در گرو تلاش بیشتر، تعهد، تخصص و... می‌باشد. حاکمیت چند دهه استبداد در کشور ما، فرهنگ سیاسی مردم و نهاد‌های دیگر را دستخوش تغییرات اساسی کرده است. وقوع انقلاب، جهش بزرگی در رفتار و کردار ملت و بالتبع مطبوعات و نهاد‌های کشور ایجاد کرد و مطبوعات آن زمان شاهد این ادعاست. باید تلاش کرد بار دیگر ویژگی‌های دوره پیروزی انقلاب را احیا کرد و در سایه آزادی، به عرصه مطبوعات نگریست. اگر در جامعه‌ای قانون ضمانت اجرا داشته باشد، بی‌شک چارچوب‌ها و حریم‌های ارزشی شکسته نخواهد شد.»

اثرات هجوم فرهنگی بر حرفه روزنامه‌نگاری

بحث از اخلاق مطبوعات در شرایط امروزی جهان، به قدری گسترده، متنوع و پیچیده است که قطعاً حرف‌های بسیاری ناگفته می‌ماند. از مسهود شهابی‌پور درباره «اثرات نوین هجوم فرهنگی، سیاسی و سلطه‌گری قدرت‌های اطلاعاتی بر حرفه روزنامه‌نگاری» می‌پرسیم: او می‌گوید: «هجوم فرهنگی را از یک جهت مثبت تلقی می‌کنم زیرا زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا دست‌اندرکاران رسانه‌های گروهی پی به توان و وسعت فعالیت‌های تبلیغاتی بیگانگان ببرند.

پرداختن به عناصر مثبت فرهنگ خودی و رویارویی با حرکت‌های سلطه‌گرانه و تهاجمی - اگرچه هنوز با منطق و خردمندی کامل همراه



■ یونس شکرخواه: اگر بپذیریم روزنامه‌نگاری، «ادبیات شتاب‌زده» نیست و نوعی تاریخ‌نگاری و یا به دیگر زبان، نوعی انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی به فردا است - یا باید باشد - آن وقت خواهیم پذیرفت که سرفصل عوامل تأثیرگذار بر این اخلاقیات، روحیه حقیقت‌یابی و صداقت در گزارش آن است.

نشده - را بخشی از اثرات دوره تازه می‌دانم.»

مخاطب، جهان را با روزنامه‌نگاران تجربه می‌کند

رابطه «اعتبار منبع» با اخلاق مطبوعاتی، «مسلمان روزنامه‌نگار یا روزنامه‌نگار مسلمان»، تأکید بر روحیه «حقیقت‌یابی و صداقت»، «نهادینه‌شدن اخلاق در روزنامه‌نگاری به عنوان تابعی از نهادینه‌شدن اخلاق در سطح جامعه»، «مأموران اطلاع‌رسانی و قهرمانان اخلاق» و «رسانه‌ها، چشم سوم مردم» از نکته‌هایی است که یونس شکرخواه به آنها اشاره دارد. در خواندن این گفت‌وگوی مکتوب ما را همراهی کنید:

۱. مفهوم اخلاق را در قلمرو مطبوعات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چرا قلمرو مطبوعات؟ من معتقدم مخاطب، جهان را با ما روزنامه‌نگاران تجربه می‌کند. بحث اخلاق مطبوعاتی پیش از آنکه بحث روزنامه‌نگاران باشد، مقوله‌ای مربوط به مخاطب است زیرا به «اعتبار منبع» مربوط

می‌شود و لذا اخلاق در همین تجربه درست از جهان - پایه‌ی مخاطب - معنی پیدا می‌کند. خودسازی و متخلق بودن یک روزنامه‌نگار به نظر من، بستر و زیرساخت فعالیت‌های حرفه‌ای اوست و صادقانه بگویم برای روزنامه‌نگاری بی‌اخلاق پیش‌زی ارزش قائل نیستم. نمی‌خواهم بگویم ژورنالیسم فقط اخلاق است و «علم و فن» نیست، چرا، از جنبه توصیفی، تشریحی و دانشی، باید آن را علم و تکنیک به‌شمار آورد، ولی از آنجایی که یک کنش اختیاری و ارادی است، پس اخلاقی هم هست، به باور من اخلاق (Ethics) در این جهان هم عصر ما، یک منبع ناملموس قدرت است.

۲. اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را تا چه اندازه در ارتباط با اخلاق می‌بینید؟

این پرسش، بدون جغرافیاست. در هر جغرافیایی پاسخ خاصی می‌تواند درباره این پرسش مطرح شود. اولاً باید بگویم اخلاق در کلیت خود، حکم جهت‌دهنده را دارد. سپس در روزنامه‌نگاری هم باید مسیر بدهد، نه اینکه سد راه باشد. اخلاق با ذات انسان عجین است. بنابراین اخلاق، متمم ژورنالیسم نیست و باید مبانی آن را شکل دهد. اصلاً من می‌پرسم، حرفه‌ای کیست؟ مگر غیر از این است که حرفه‌ای کسی است که مهارت‌های مربوط به اجرای یک کار خاص را - آن هم در دوره‌ای خاص - می‌داند. خوب این استانداردهای کنش در یک حرفه است و می‌شود گفت کسی که این استانداردها را دارد، «درست‌کار» می‌کند، ولی «کار درست» چیست؟ اخلاق جواب این پاسخ است. اجازه بدهید اینگونه بگویم که اینها را نباید در برابر هم دید، من ترجیح می‌دهم مسلمان روزنامه‌نگار باشم - اگر خدا بخواهد - و نه روزنامه‌نگار مسلمان.

۳. چه عواملی را در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری مؤثر و چه موانعی را در این مسیر تعیین‌کننده می‌دانید؟

در تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری، هم روزنامه‌نگار، هم نهاد رسانه‌ای و هم گستره اجتماعی دخیل هستند. اگر بپذیریم روزنامه‌نگاری «ادبیات شتاب‌زده» نیست و نوعی تاریخ‌نگاری و یا به دیگر زبان نوعی انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی به فردا است - یا باید باشد - آن وقت نگاهمان به موضوع عوض خواهد شد و خواهیم پذیرفت



■ سخن گفتن از اخلاق

مطبوعاتی، در شرایطی که انسان کم‌کم در فضاهای الکترونیکی غرق می‌شود، نه تنها یک ضرورت حیاتی است، که شاید خود «حیات» است.

که سرفصل عوامل تأثیرگذار بر این اخلاقیات، روحیه حقیقت‌یابی و صداقت در گزارش آن است. و بقیه ماجرا این است که تحقق رسالت‌های مطبوعات همان اخلاق مطبوعاتی است که در بستره تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اجتماعی دنبال می‌شود. در مورد موانع هم معتقدم در هر سه سطح فردی، رسانه‌ای و اجتماعی قابل شناسایی و ریشه‌یابی است.

۴. چه شیوه‌هایی را برای نهادینه کردن اخلاق در حرفه روزنامه‌نگاری پیشنهاد می‌کنید؟

هر جا که نقش مذهب کم‌رنگ است، باید برای حرفه‌ها اخلاقیات نوشت. اما جایی که دین و مذهب هست، نسخه‌ها از قبل نوشته شده است.

فرض کنید در کشور خود ما، یک مسلمان که با پذیرش شریعت نبوی برعمل به فروع دین و احکام مختلف براساس معیارهای مشخص مکلف می‌شود، باید تولی و تبری داشته باشد و همچنین مکلف باشد بر اقامه واجبات. پس بین مسلمان و مسلمان روزنامه‌نگار تفاوتی نیست. تنها تفاوت در فرکانس و دامنه تأثیرگذاری است و لذا کار روزنامه‌نگار در چنین جامعه‌ای حساس‌تر از یک فرد عادی می‌شود، ولی باز هم محور همان رعایت تقوای الهی است، بنابراین نهادینه‌شدن اخلاق در روزنامه‌نگاری تابعی از مکانیزم نهادینه‌شدن اخلاق در سطح جامعه است.

۵. مهمترین مشکلات اخلاق مطبوعاتی ما را در چه چیزهایی می‌بینید؟
اینکه اخلاق حرفه‌ای را در ارتباط با

۷. جایگاه قانون را در بروز مشکلات فعلی اخلاقی و حرفه‌ای مطبوعات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شوراهایی که بحث آنها را کردم، حتی قوانین مطبوعاتی را می‌نویسند. نگاه ما به قانون چگونه است؟ ما به عنوان روزنامه‌نگار، حاضر نیستیم هرچه که مسیر حرکت و اجرای قانون را سد می‌کند، درج کنیم.

به نظر من حتی جهل قانون نسبت به یک موضوع، جواز نقض آن را به ما نمی‌دهد. اما در عین حال باید بگویم صرف صداقت هم ممکن است ما را از خطا مصون نگاه ندارد، پس به قانون نیاز داریم تا ناظر ما باشد. ولی قانون باید زنده باشد و روح داشته باشد تا بتواند در جامعه زندگی کند؛ لذا صرف وجود ضعف اخلاقی هم نباید به تشدید قوانین بینجامد. عرض کردم روزنامه‌نگار اگر چه محصول فرهنگی عرضه می‌کند، اما خودش هم محصول جامعه است. اگر اخلاق جامعه درست شود، بر روزنامه‌نگاری هم تأثیرگذار خواهد بود. اخلاق، حریم فردی است و قانون، ناظر بر مناسبات بین فردی. خیلی وقت‌ها قانون که کم می‌آورد، تازه اخلاق به راه می‌افتد. من اخلاق را پدیده‌ای فراقانونی می‌بینم، و خیلی آن را در قانون جست‌وجو نمی‌کنم.

۸. ارزیابی شما از مسؤلیت‌های جدید اخلاق روزنامه‌نگاری در برخورد با عوامل مداخله‌گر در نقش مطبوعات، مثل غلبه عنصر شفاهی، شایعه و رسانه‌های خارجی چیست؟

اگر روزنامه‌نگار روشن‌بین، با مطالعه و

معیارهای پایدار استخراج نکرده‌ایم، خودسانسوری که متأسفانه ما را به حقیقت‌گریزی می‌کشاند، تضاد خیروشرهای فردی یا خیروشرهای رسانه‌ای، اینکه اخلاق را در ارتباط با اجتماع نمی‌بینیم، اینکه قدرت را در ارتباط با حفظ موقعیت می‌بینیم و نه خدمت و اینکه مراقب واژه‌ها نیستیم، مگر جز این است که واژه‌ها ارتقادهنده و تنزل‌دهنده هستند، پس چرا مراقب کلام خود نیستیم. معضل دیگر ما چندکاره بودن مطبوعاتی‌ها است که این‌هم پیامدهای خاص خودش را دارد. پرداختن به اخلاق در دانشگاه‌های روزنامه‌نگاری هم یک معضل است و امیدوارم واحدهای اخلاق مطبوعاتی هم در دانشگاه‌ها ارائه شوند.

۶. به نظر شما عدم استقلال حرفه‌ای و تشکیلات مطبوعاتی تا چه حد در شکل‌گیری مشکلات اخلاقی حرفه‌ای مطبوعات ما مؤثر است؟

قطعاً مؤثر است. در بسیاری از نقاط جهان شوراهای نظارت بر مطبوعات وجود دارند که از خود مطبوعاتی‌ها تشکیل می‌شود. این شوراهای حکم وجدان روزنامه‌نگاران را دارند و در واقع سرفکری و اخلاقی هستند. این شوراهای مطبوعات می‌خواهند هم مأموران اطلاع‌رسانی و هم قهرمانان اخلاق باشند و هر وقت هم که فرد یا رسانه‌ای را توبیخ کنند، تمام رسانه‌ها ملزم به چاپ و اعلام این توبیخ هستند، در ایسن شوراهای علاوه بر روزنامه‌نگاران، خوانندگان و حتی ناشران هم عضو هستند ولی به هیچ وجه دولتی نیستند.

دارای قدرت تشخیص باشد. به طور اتوماتیک می‌کوشد در یک فرایند پیوسته، مخاطبان را به فکر و تعقل وادارد، به هدایت فکری بپردازد، علوم و معارف را گسترش دهد، قدرت تحلیل و بینش سیاسی بدهد و هر آنچه که وحدت ملی را تقویت می‌کند، در دستور کار قرار دهد.

۹. به اعتقاد شما فرهنگ نقدکننده، امروز بر مطبوعات ما حاکم است و اگر نه، به کمک اصول حرفه‌ای و اخلاق روزنامه‌نگاری چگونه می‌توان به چنین فرهنگی شکل داد؟
بیرحمانه به هم می‌تازیم، نقدها احساسی است و کمتر جنبه آکادمیک دارد. در فرهنگ، آئین و دین ما در موارد عیدیه‌ای بر پرهیز از افترا و تهمت تأکید شده و همچنین تحقیق قبل از حرف زدن یک اصل است. به نظر من نقدی که حقیقت را نمی‌گوید، دارد در واقع دروغ تحویل می‌دهد. از نظر من گام اول برای تغییر این فرهنگ، تأمین ادبیات نقد است.

۱۰. چه باید کرد؟

۱. رویکردهای دینی را در کانون‌های حرفه‌ای و آموزشی تقویت کنیم؛
۲. نظام نظارت بر دست‌اندرکاران ارتباطی را با شورایی متشکل از خود این دست‌اندرکاران ایجاد کنیم تا مدافع استقلال تحریری در برابر هرم مدیریتی رسانه‌ها باشند و در عین حال تخلفات همکاران خود را در همه رسانه‌ها به طور همزمان منتشر سازند؛
۳. میثاق‌ها و کدهای اخلاقی سایر کشورهای جهان را ترجمه کنیم به خصوص که ارزش‌هایی چون برابری، عدالت، صداقت، عینیت و... در همه جای جهان مورد علاقه هستند و از طرف دیگر وجوه افتراق هم شفاف می‌شود؛

۴. اخلاقیات حرفه‌ای را با تئوری‌های هنجاری و فلسفی که به تعهدات حرفه‌ای در ارتباطات مربوط می‌شود، ادغام کنیم که این کار مقدمتاً باید با جست‌وجو در قرآن، سنت و جهان‌بینی اسلامی آغاز شود.

- نیاید را استخراج و فهرست کنیم ولی هیچ نیایدی «نیاید» امر اطلاع‌رسانی را به مثابه یک حق اجتماعی مختل کند.

- رسانه‌ها را رکن چهارم حکومت نبینیم، چشم سوم مردم بدانیم و خودسازی روزنامه‌نگاران را زیربنای فعالیت‌های حرفه‌ای بدانیم.

■ به‌خاطر حفظ روزنامه‌نگاران

پاک، جسور، آگاه، دانا و متعهد

است که کژی‌های مطبوعات ما باید

سریع‌تر اصلاح شود؛ برای حفظ

روزنامه‌نگارانی که در بدترین و

بهترین شرایط در کنار مردمند و تا

پای جان بر آرمان‌ها، باورها و

اعتقادات خویش ایستادگی

می‌کنند.

- دشمن مصرف‌گرایی باشیم که این بلای دنیازدگی و دشمن آخرت‌گرایی است و آلت‌رناتیوی که به‌طور خزنده می‌خواهد جای ایمان را بگیرد. این بزرگترین بلای نظام رسانه‌ای جهان است و خوره «پاکت قهوه‌ای» یا رشوه از همین زاویه به جان ژورنالیسم مغرب زمین افتاد.

- و بالاخره برای حقیقت، افشاگر باشیم که خداوند در سوره حج آیه ۴۰ می‌فرماید: اگر بعضی را به وسیله بعضی دیگر بازنمی‌داشتیم، صومعه‌ها، کنش‌ها و مساجد و دیورها که در آنها ذکر فراوان خدا می‌رود، همه نابود می‌شد.

پی‌نویسها:

۱. مسحبتیان‌راده، دکتر مهدی، روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳، ص ۲۲۵.

۲. همان منبع، ص ۱۹۷.

۳. همان منبع، ص ۱۹۸.

۴. همان منبع، ص ۲۰۰.

۵. همان منبع، ص ۲۰۱.

۶. همان منبع، ص ۲۰۳.

۷. همان منبع، ص ۲۰۴.

۸. همان منبع، ص ۲۰۵.

۹. همان منبع، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۱۰. همان منبع، صص ۲۱۸ و ۲۱۹.

۱۱. همان منبع، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۱۲. شکرخواه، یونس، خیر، مرکز گسترش آموزش

رسانه‌ها، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴، صص ۱۲۵ تا ۱۲۸.

13. Muller Meinigen.

۱۴. امیری، کاظم، مشکلات درونی و بیرونی روزنامه‌نگاری در آلمان، رسانه، ش ۷، سال دوم، پاییز ۱۳۷۰، ص ۴۷.

15. Paul Sethe.

۱۶. امیری، کاظم، ص ۴۷.

17. Identifikation.

۱۸. امیری، کاظم، ص ۴۸.

19. Horst Richter.

۲۰. امیری، کاظم، ص ۴۸.

21. K. Ossietzky.

۲۲. امیری، کاظم، ص ۴۹.

۲۳. همان منبع.

۲۴. تولی، مجید، روزنامه‌نگاری فرانسوی، رسانه، ش ۱،

بهار ۱۳۷۴، ص ۶۵.

۲۵. همان منبع.

۲۶. اسدی‌طاری، محمدحسن، قوانین و مقررات حرفه

روزنامه‌نگاری در انگلستان، هند، نیجریه و پاکستان، رسانه، ش

۲، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۴ تا ۲۶.

۲۷. همان منبع.

۲۸. همان منبع.

۲۹. همان منبع.

۳۰. همان منبع.

۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هفتم ۱۳۶۴

انتشارات امیرکبیر، جلد ۱، ص ۱۷۴.

۳۲. آلشول، جی‌هربرت، U. Herbert Altschull.

مقاله مسؤولیت اجتماعی، راز پراسهام روزنامه‌نگاری،

ترجمه احمد میرعابدینی، رسانه، ش ۱۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۱۰.